

# تقدیمی بر محو فقر

ارزیابی وضعیت، پیشدادها و راهکارهای مقابله با فقر

به قلم محمد حسن قدیری ایبانه

مندرج در روزنامه اطلاعات به صورت سلسه وار

بہمن ۷۴ تا مرداد ۱۳۷۵

# تقدیمی بر محو فقر

ارزیابی وضعیت، پیش‌سازها و راهکارهای مقابله با فقر

به قلم محمد حسن قدیری ایبانه

مندرج در روزنامه اطلاعات به صورت سلسه وار

بهمن ۷۴ تا مرداد ۱۳۷۵



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توجه:

از آنجا که این مقالات در سال ۱۳۷۴ نوشته شده است،

آمار ارائه شده مربوط به همان دوران است.

## فهرست

موضوع	صفحه	تاریخ انتشار در روزنامه
مقدمه.....	۱	
از شعار تا عمل.....	۲	۱۳۷۴/۱۱/۲۹
ظلم یارانه.....	۳	۱۳۷۴/۱۱/۳۰
محرومان و مرفهان.....	۴	۱۳۷۴/۱۲/۳
محرومیت از یارانه.....	۶	۱۳۷۴/۱۲/۵
یارانه مواد نفتی يك و نیم برابر کل بودجه عمرانی.....	۸	۱۳۷۴/۱۲/۶
عدالت و یارانه.....	۱۰	۱۳۷۴/۱۲/۸
یارانه و استقلال.....	۱۲	۱۳۷۴/۱۲/۱۰
کمتر از مجاز.....	۱۵	۱۳۷۴/۱۲/۱۳
فقر فراگیر.....	۱۸	۱۳۷۴/۱۲/۲۰
خط فقر.....	۲۱	۱۳۷۴/۱۲/۲۱
مالیات فقرزدایی.....	۲۳	۱۳۷۴/۱۲/۲۲
یارانه پرواز.....	۲۵	۱۳۷۵/۱/۱۵
زمانه یوسف 7.....	۲۸	۱۳۷۵/۱/۱۸
دردناکترین صحنه.....	۳۵	۱۳۷۵/۱/۲۰
تورم مطلوب و نامطلوب!.....	۳۸	۱۳۷۵/۲/۲
توهم.....	۴۱	۱۳۷۵/۲/۱۱
احساس کاذب فقر.....	۴۵	۱۳۷۵/۲/۳۰
مالیات بر مصرف.....	۵۰	۱۳۷۵/۳/۱۷
مقاله انتقادی واصله.....	۵۳	۱۳۷۵/۳/۲۷
در حاشیه حذف یارانه مواد سوختی.....	۵۴	۱۳۷۵/۳/۲۸
علت‌ها و معلول‌ها.....	۵۶	۱۳۷۵/۳/۲۹
وضع زندگی مردم.....	۶۰	۱۳۷۵/۴/۲
هزینه‌های حمل و نقل.....	۶۳	۱۳۷۵/۴/۷
توقعات ارزی.....	۶۵	۱۳۷۵/۴/۱۰
اعتیاد به یارانه.....	۶۸	۱۳۷۵/۴/۱۴
طرح چند سؤال.....	۷۳	۱۳۷۵/۴/۲۴
مقایسه‌های واهی یا واقعی.....	۷۸	۱۳۷۵/۴/۲۸
هزینه‌های درمان.....	۸۴	۱۳۷۵/۵/۱۵
بازنشستگان.....	۸۷	۱۳۷۵/۵/۲۱

رئیس جمهور در نماز جمعه این هفته، طرح دولت برای محو فقر را مورد تأکید قرارداد و زمینه را برای تحقیق چنین طرحی مناسب دانستند.

ایشان یکی از منافع تأمین بودجه این طرح را از طریق کاهش یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا دانستند و استفاده بیشتر ثروتمندان و اغنیا از این یارانه‌ها را غیر عادلانه خوانند و تأکید کردند که این سرمایه‌ها عمومی باید برای رفع محرومیت‌ها به کار رود.

ایشان همچنین در جمع مسئولان، مدیران و نویسندگان رسانه‌های گروهی کشور که پنج شب گذشته انجام شد، ضمن اشاره به برخی انتقادات سطحی در رسانه‌های گروهی از آنان خواستند به مسائل اصلی و بنیانی کشور بپردازند و انتقادات خود را بر مسائل مهم و اساسی متمرکز سازند.

ایشان وضعیت پرداخت یارانه‌ها به ویژه یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا را به عنوان يك بي عدالتي بزرگ نام بردند و از مطبوعات خواستند آن را مورد بررسی و نقد قرار دهند و ابعاد این موضوع را برای عموم روشن سازند.

با گفتن لبیک به این دعوت، طی چند شماره وضعیت موجود، هم در ارتباط با یارانه‌ها و هم در طرح محو فقر به دلیل ارتباطی که این دو با یکدیگر پیدا کرده‌اند، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. امید است مورد توجه مردم قرار گیرد.

## از شعار تا عمل

دولت موظف است در جهت منافع عمومی مردم و رشد و توسعه کشور برنامه ریزی و تلاش کند. برای هر هزینه کردن باید منابع مالی آن تأمین گردد. مقابله با فقر و تنگدستی از وظایف و اهداف انقلاب اسلامی است. اخذ مالیات یکی از راههای تأمین منابع مالی مورد نیاز می‌باشد.

عقاید مختلفی در مورد چگونگی اخذ مالیات وجود دارد. یکی از محورهایی که در مورد چگونگی اخذ مالیات وجود دارد و از محورهایی است که مورد تأکید هر فرد عدالت خواهی می‌باشد، این است که از افراد ثروتمند مالیات بیشتری گرفته شود و از محل این مالیاتها در جهت رفع محرومیت‌های محروم‌ترین اقشار استفاده گردد. این شعار يك شعار بر حق است، لیکن امروز در کشور ما درست عکس آن عمل می‌شود و این يك بي عدالتي بزرگ و غیر قابل تحمل است.

امروز سهم محروم‌ترین اقشار جامعه از منابعی نفتی، از طریق تعلق یارانه به مواد سوختی و انرژی‌زا، به ثروتمندترین به نامیم (پولی که دولت به مردم می‌دهد)، نتیجه می‌گیریم که هر کس دارا تر و بهره‌مندتر و مسرف تر است، مالیات بیشتری از دولت می‌گیرد و هر کسی از ابتدایی‌ترین امکانات محروم باشد، دستش از این مالیات کوتاه است.

حال جالب آن است که بسیاری از کسانی که شعار عدالت اجتماعی را سر می‌دهند، عملاً با تحقق عدالت اجتماعی مخالفت کرده و دست دولت را در اصلاح وضعیت موجود (کاهش یارانه مواد سوختی) می‌بندند. از نظر اینجانب پرداخت یارانه به صورت کنونی که محرومان از آن محروم و ثروتمندان و مسرفان و رفاه طلبان بی درد از آن برخوردارند، يك ننگ برای نظام اسلامی کشورمان است و باید هر چه زودتر به اصلاح آن پردازیم.

## ظلم یارانه

دولت بابت برق، بنزین، گازوئیل و نفت سفید یارانه می‌پردازد. میزان یارانه مواد سوختی تقریباً نزدیک به میزان درآمد ایران از فروش نفت یعنی حدود ۱۱ میلیارد دلار است. درآمد کشور از بابت صادرات نفت در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ سالانه حدود ۱۴ میلیارد دلار می‌باشد. این بدان معنی است که هر کس خانه وسیع‌تری دارد، بابت گرم کردن یا خنک کردن آن، یارانه بیشتری دریافت می‌دارد.

کسانی که از استخر آب گرم و یا حمام سونا برخوردارند، یارانه بیشتری دریافت می‌کنند. برای کسانی که لوسترهایی بزرگتری در منزلشان است، یارانه بیشتری اختصاص یافته است. خانواده‌هایی که از چند ماشین استفاده می‌کنند و کسانی که ماشین‌های پر مصرف‌تری دارند، سهم بیشتری از یارانه را به خود اختصاص می‌دهند. کسانی که در نقاط مختلف ویلا دارند و دائم در سفرهای سیاحتی و تفریحی هستند، یارانه بیشتری دریافت می‌دارند. به عبارت دیگر «هر که با مش بیش سهمش از یارانه بیشتر و این بی عدالتی و فاجعه بزرگی است که متأسفانه بسیاری از افراد از ابعاد آن مطلع نیستند.

بسیاری از خانواده‌هایی که در شمال شهر تهران زندگی می‌کنند، هر یک سهمی از بیت‌المال را از طریق دریافت یارانه مواد سوختی به خود اختصاص داده‌اند که این مقدار بسیار بیشتری از یارانه‌ای است که اهالی یک روستای پرجمعیت مناطق محروم دریافت می‌دارند.



## محرومان و مرفهان

اگر قیمت هر بشکه نفت خام را ۱۶ دلار فرض کنیم، قیمت هر بشکه بنزین، نفت سفید و گازوئیل بیش از ۳۰ دلار می‌باشد. این قیمتی است که جمهوری اسلامی ایران در مواقع نیاز بابت خرید از خارج از کشور پرداخت کرده است و این قیمتی است که مشتریان خارجی برای خرید آن از ایران پرداخت می‌نمایند.

دولت، نفت سفید و گازوئیل را در کشور بشکه‌ای معادل یک دلار و بنزین را بشکه‌ای ۵ دلار به فروش می‌رساند؛ به عبارت دیگر دولت بابت هر بشکه نفت سفید و گازوئیل حدود ۳۰ دلار و بابت هر بشکه بنزین بیش از ۲۵ دلار یارانه می‌پردازد و این در حالی است که دولت بابت استخراج هر بشکه نفت خام بین ۳ تا ۵ دلار هزینه نموده و برای تصفیه و پالایش آن با سرمایه‌گذاری هنگفت بابت پالایش هر بشکه نفت خام چندین دلار هزینه می‌کند. به عبارتی دیگر چندین دلار از بیت‌المال مسلمانان هزینه می‌شود تا نفت خام- که به مردم تعلق دارد از اعماق زمین استخراج و تصفیه گردد و سپس پس از تقبل هزینه حمل و نقل و توزیع، محصول آن بشکه‌ای یک دلار فروش رسد، حال آنکه هر بشکه می‌تواند ۳۰ دلار به بیت‌المال بیافزاید و در راه بهتری هزینه گردد.

متأسفانه هر کس که دارا تر، برخوردارتر، ثروتمندتر و مرفه‌تر است بیشتر از این مواد و در نتیجه یارانه آن استفاده می‌کند و این سرمایه عظیم عمومی را به خود اختصاص می‌دهد.

آیا عادلانه نیست که ثروتمندان و افراد برخوردارتر، هزینه کامل مواد مصرفی خود را بپردازند و دولت این ثروت را در رفع محرومیت‌ها، در فقر زدایی و توسعه و رشد اقتصادی کشور به کارگیرد؟!

آیا درست است که روستاهایی در کشور باشند که از داشتن جاده مناسب محروم باشند و سرمایه‌های عمومی، من جمله سرمایه‌های متعلق به مردم ساکن در مناطق محروم به صورت یارانه به کسانی پرداخت شود که با ماشین‌های مدل بالا و پرمصرف جاده‌های کشور را در سفرهای تفریحی طی می‌کنند؟!

آیا درست است که مردم برخی از روستاها از داشتن حمام و آب آشامیدنی بهداشتی

محروم باشند و بابت استخراج آب گرم و حمام سونای اختصاصی مرفهان بی‌درد از بیت‌المال یارانه پرداخت شود؟!!

آیا صحیح است که روستاهایی از نعمت برق محروم باشند و بابت لوسترهای کاخها و ویلاهای ثروتمندان یارانه پرداخت گردد. اگر روش جاری پرداخت یارانه در کشور ناعادلانه است که هست، پس چرا عده‌ای مانع اقدام دولت در اصلاح وضع موجود می‌شوند؟

## محرومیت از یارانه

دولت سالانه ۶۰ هزار میلیون تومان از طریق دفتر مناطق محروم صرف رفع محرومیت در مناطق محروم می‌کند؛ یعنی روزانه بیش از ۱۶۰ میلیون تومان.

دولت سالانه ۷۰ هزار میلیون تومان صرف بازسازی مناطق جنگی می‌کند که روزانه رقمی بیش از ۱۹۰ میلیون تومان را شامل می‌شود.

دولت حدود ۸۰ هزار میلیون تومان در سال در اختیار کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار می‌دهد تا در رفع محرومیت محرومان به کار رود که روزانه مبلغی حدود ۲۲۰ میلیون تومان را شامل می‌گردد.

دولت سالانه حدود ۳۰ هزار میلیون تومان را به سازمان بهزیستی اختصاص داده است تا این سازمان به کمک افراد یتیم و بی سرپرست و سالمند، معلولان و مستمندان بشتابد، که روزانه بیش از ۸۲ میلیون تومان را شامل می‌شود. بدین سان دولت سالانه مجموعاً بیش از ۲۴۰ میلیارد تومان را در اختیار دفتر مناطق محروم، ستاد مناطق جنگی، کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی می‌گذارد، حال آنکه یارانه مواد سوختی حدود ۱۴ برابر این مبلغ یعنی سالانه ۳۳۰۰ میلیارد تومان می‌باشد.

به عبارت دیگر دولت روزانه مجموعاً حدود ۶۵۰ میلیون تومان به دفتر مناطق محروم، ستاد بازسازی مناطق، کمیته امداد امام (ره) و سازمان بهزیستی اختصاص داده است در حالی که روزانه حدود ۹ هزار میلیون تومان به یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا اختصاص یافته است.

در حقیقت بودجه چهار سازمان فوق که مجموعاً ۲۴۰ هزار میلیون تومان است، برابر ۲۲ روز یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا است.

با توجه به اینکه حدود ۷۵٪ یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا را مرفهان و ثروتمندان به خود اختصاص می‌دهند و محرومترین‌ها از این یارانه کم بهره‌اند، طبیعی است با ادامه سیاست کنونی ثروتمندان، ثروتمندتر و محرومان از حق خود محرومتر شوند.

اگر همت دولت نبود و بنا بود به نق زدن مرفهان و شعارهای افراد ناآگاه توجه شود، دولت می‌بایست بودجه‌های مناطق محروم و ستاد بازسازی و بهزیستی و کمیته امداد را

نیز از طریق پرداخت یارانه به نفع مرفهان اختصاص می‌داد.  
آیا وقت آن نرسیده است که با کاهش یا حذف یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا به نفع  
محرومان و در جهت تحقق عدالت قدم برداریم.  
آیا وقت آن نرسیده است که مرفهان لااقل هزینه رفاه خود را از کیسه بیت‌المال و از  
جیب محرومان تأمین نکنند؟! پس دولت را یاری کنیم تا به اصلاح وضعیت موجود  
بپردازد.

## یارانه مواد نفتی يك و نیم برابر کل بودجه عمرانی

در قسمت های قبل گفتیم که دولت سالانه حدود ۱۱ میلیارد دلار معادل ۳۳۰۰ میلیارد تومان بابت مواد سوختی و انرژی‌زاد یارانه می‌دهد. این مبلغ ۱/۵ برابر بودجه عمرانی سال ۱۳۷۵ است و این در حالی است که چنین حجم عظیمی از بودجه عمرانی در تاریخ ایران بی‌سابقه می‌باشد.

به عبارت دیگر روزانه حدود ۳۰ میلیون دلار معادل ۹ هزار میلیون تومان به مواد سوختی یارانه تعلق می‌گیرد. آمار و ارقام فوق را به طریقی دیگر، ملموس تر محاسبه می‌کنیم تا عمق فاجعه روشن شود.

اگر قیمت هر بشکه نفت خام را ۱۶ دلار فرض کنیم (که این قیمت آن بیشتر از این مبلغ است) هر لیتر نفت خام ۱۰ سنت معادل ۳۰ تومان می‌شود. (هر بشکه نفت صادراتی ۱۵۹ لیتر و اندکی است). قیمت صادراتی نفت سفید، گازوئیل و بنزین هر بشکه حدود دو برابر نفت خام است.

به عبارتی دیگر قیمت صادراتی هر لیتر گازوئیل، نفت سفید و بنزین ۲۰ سنت یعنی ۶۰ تومان است. این قیمتی است که خریداران خارجی در بندرهای کشور در کنار پالایشگاه‌ها، فرآورده‌های نفتی را دریافت می‌دارند.

قابل توجه آنکه ما در زمان کمبود، این مواد را از قرار لیتری ۲۰ سنت از خارج خریداری کرده‌ایم. نفت خام متعلق به عموم مردم است و تصفیه و پالایش نفت نیز با بودجه عمومی انجام می‌گیرد، بنابراین فرآورده‌های نفتی نیز به همه مردم تعلق دارد و دولت از طرف مردم وکیل است این سرمایه را به نفع عموم به ویژه در جهت رفع محرومیت‌ها و توسعه اقتصادی کشور به کارگیرد.

گفتیم که قیمت بنزین، گازوئیل و نفت سفید بدون احتساب هزینه حمل و نقل و توزیع هر لیتر ۶۰ تومان است، لیکن دولت گازوئیل و نفت سفید را هر لیتر ۲ تومان و بنزین را هر لیتر ۱۰ تومان به فروش می‌رساند.

در حقیقت با احتساب هزینه حمل و نقل و توزیع بابت هر لیتر گازوئیل و نفت سفید ۶۰ تومان و بابت هر لیتر بنزین ۵۰ تومان از بیت‌المال مسلمانان یارانه تعلق می‌گیرد.

به عبارتي ديگر هر بار كه يك ماشين معمولي باك بنزين خود را با ۴۰ ليتر بنزين پر مي‌كند دولت از بيت‌المال دوهزار تومان يارانه مي‌پردازد. ماشين‌هاي پرمصرف مثل پاترول كه گنجایش بیش از ۷۰ ليتر بنزين دارند، بابت هر باك حدود ۳ هزار تومان يارانه دريافت مي‌دارند.

اگر فرض كنيم كه هر ماشين سه بار در هفته بنزين بزند (هر ماه ۱۳ بار)، هر ماشين معمولي ماهانه ۲۶ هزار تومان و هر پاترول حدود ۴۰ هزار تومان يارانه دريافت مي‌دارد.

آيا اين عادلانه است كه صاحبان ماشين پاترول بابت بنزين ماشين خود ماهانه ۴۰ هزار تومان از بيت‌المال يارانه بگيرند و دولت به دليل پرداخت يارانه مواد سوختي و انرژي‌زاد نتواند حقوق كارمندان خود را ترميم كند؟!

آيا اين درست است كه افراي در فقر زندگي كنند و نتوانند نيازهاي اوليه خود را تأمين كنند، آن‌گاه مرفهان و ثروتمندان براي هر ماشين پاترول خود هر ماه ۴۰ هزار تومان يارانه دريافت دارند.

اگر مجموع يارانه‌اي را كه يك مرفه ثروتمند بابت بنزين ماشين هایشان، گرم و سرد كردن خانه‌هاي چندصدمتري و ويلاها و بابت گرم كردن استخر آب گرم و حمام و سوناي اختصاصي خود و روشنائي‌هاي فوق‌العاده منازل خويش، دريافت مي‌دارند، محاسبه كنيم و از سوي ديگر به محروميت فقرا و محدوديت درآمد كارمندان و معلمان دولت بينديشيم به ناعادلانه بودن وضعيت فعلي و اختصاص يارانه از بيت‌المال براي مواد سوختي و انرژي‌زايي مي‌بريم.

دولت حق دارد خواستار تغيير وضعيت موجود باشد.

## عدالت و یارانه

در قسمت‌های قبل گفتیم یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا (نفتی) سالانه حدود ۱۱ میلیارد دلار است. این مقدار برابر است با ۳۳۰۰ میلیارد تومان؛ یعنی روزی بیش از ۳۰ میلیون دلار معادل ۹ هزار تومان؛ به عبارت دیگر بابت هر روز یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا می‌توان هزینه ساخت يك سد بزرگ را تأمین کرد، حال آنکه ۷۵٪ این مبلغ به جیب رفاه‌طلبان ثروتمند می‌ریزد.

رئیس محترم جمهور اخیراً در جمع مسئولان، مدیران و نویسندگان مطبوعات، این امر را ظلمی بزرگ دانستند و با اشاره به لزوم تعیین خط فقر، بر تهیه طرح محو فقر از جامعه، تأکید نمودند و یکی از اصلی‌ترین منابع تأمین بودجه این طرح را از محل کاهش یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا اعلام کردند.

اگر دولت موفق شود هم یارانه مواد سوختی را حذف و هم از محل درآمد دولت بابت کاهش یارانه‌های مذکور، فقر را از کشور محو نماید، یکی از اهداف انقلاب اسلامی را تحقق بخشیده است و دل رهبر انقلاب و مردم شریف و مؤمن کشورمان را شاد کرده و رضایت هرچه بیشتر خداوند متعال را به دست آورده است. گرچه مسلماً افراد ثروتمند که عادت کرده‌اند، رفاه‌زدگی و اسرافکاری‌های خود را از بیت‌المال مسلمانان تأمین نمایند به نق زدن و جوسازی خواهند پرداخت.

رئیس محترم جمهور در سخنان خود درباره سیاست محو فقر تأکید کردند که ایجاد اشتغال برای محرومان محور حرکت دولت برای محو فقر خواهد بود و تصریح کردند که به کسانی که علی‌رغم کار و تلاش قادر به تأمین معاش در حد بالایی خط فقر نباشند، کمک‌های مادی خواهد شد.

خوشبختانه اینک که کارهای زیربنایی و اساسی در کشور صورت گرفته است، زمینه برای اشتغال فراهم شده است، ساخت چندین سد بر روی رودخانه‌ها و به زیر کشت رفتن زمینهای بسیار زیاد، ساختن راه و جاده، لوله‌کشی گاز به شهرها، تأمین آب، برق، مخابرات، ساخت شرکت‌های صنعتی در اقصی نقاط کشور، استخراج معادن، ساخت کارخانه‌های نوب آهن، پتروشیمی و صدها کارخانه دیگر و تأمین مواد اولیه مورد

نیاز، و همچنین گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی، زمینه اشتغال مؤثر را بیش از هر زمان دیگر فراهم کرده است.

اگر بخشی از سرمایه‌هایی که به صورت یارانه مواد سوختی اختصاص یافته و از بین می‌رود، در جهت ایجاد اشتغال به کار گرفته شود و از تأسیسات ایجاد شده بهره‌برداري گردد و در راستای تقویت تولیدات کشور وام‌های ارزان قیمت و یا کمک‌های بلاعوض در اختیار افراد بیکار یا کم درآمد قرار گیرد؛ اگر افرادی که توانایی کار کردن را ندارند، از محل این بودجه مورد حمایت قرار گیرند، مسلماً شاهد محو فقر در کشور از یک طرف و توسعه اقتصادی از سوی دیگر خواهیم بود.

برای تحقق طرح محو فقر از جامعه، برنامه‌ای که کمتر از یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا استفاده کند، کفایت خواهد کرد و با مابقی مبلغ یارانه نیز می‌توان حقوق کارمندان، معلمان، نیروهای نظامی و انتظامی و ... را ترمیم کرد؛ بازسازی مناطق جنگ‌زده را سرعت به پایان رساند؛ به تمامی روستاها و مناطق دور افتاده و محروم آب، برق، مخابرات، بهداشت، مدرسه، راه و ... داد؛ طرح‌های نیمه تمام را سرعت به پایان برده و به بهره‌برداري رساند و صدها هزار طرح مهم و بزرگ را در طول برنامه پنج ساله دوم آغاز و به سرانجام رساند.



## یارانه و استقلال

در شماره‌های قبل اشاره شده که مردم با میزان واقعی یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا آشنا نیستند.

ارزش سالانه نفت ایران بیش از ۲۵ میلیارد دلار است که فقط ۱۴ میلیارد دلار آن را صادر می‌کنیم، حال آنکه معادل دو میلیارد دلار هزینه استخراج این مقدار تولیدات نفتی است.

به عبارت دیگر درآمد واقعی ایران از صادرات نفتی با کم کردن هزینه استخراج آن ۱۲ میلیارد دلار است و ۱۱ میلیارد دلار به عنوان یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا اختصاص یافته است.

آیا همه قادرند بزرگی این رقم را درک کنند.

آیا اگر سرمایه عظیم صرف سازندگی و تولید شود، تورم مهار خواهد شد؟ آیا اگر این سرمایه عظیم صرف آبادانی ایران اسلامی گردد، پول کشور تقویت خواهد گردید و قدرت خرید مردم افزایش خواهد یافت؟!

آیا اگر این سرمایه عظیم به عنوان دود آلود کنند هوا تبدیل نشود و در سازندگی به کار رود، قدرت اقتصادی نظام اسلامی کشورمان به طور چشمگیر افزایش خواهد یافت و ایران را بیش از پیش بی‌نیاز به کشورهای خارجی خواهد ساخت و این امر عزت روزافزون اسلام و کشور اسلامیان را به دنبال خواهد داشت؟!

آیا اگر این سرمایه عظیم در رفع محرومیت‌ها و فقرزدایی به کار رود، عدالت اجتماعی که از اهداف مهم نظام انقلابی‌مان است، تحقیق خواهد یافت؟!

آیا صحیح است سالانه ۱۱ میلیارد دلار ره به صورت مصرف بی‌رویه فرآورده‌های نفتی آن هم اسراف زیاد در مصرف به دلیل تعلق یارانه از دست بدهیم و آنگاه دولت ناچار شود برای بخشی از هزینه‌های عمرانی و سازندگی کشور از کشورهای غیر اسلامی وام بگیرد؟!

آیا مردم ما می‌دانند که یارانه مواد نفتی چه بی‌عدالتی بزرگی است؟!

آیا کسانی که مخالف کاهش و یا حذف یارانه مواد سوختی و انرژی هستند می‌دانند

که یارانه مواد سوختی يك و نیم برابر کل بودجه عمرانی سال ۱۳۷۵ است و این در حالی است که بودجه عمرانی سال ۷۵ که ۴۲٪ کل بودجه دولت را تشکیل می‌دهد، در تاریخ ایران بی سابقه است!؟

بودجه عمرانی سال ۱۳۷۵ بیش از ۲۲ هزار میلیارد ریال است و آن با احتساب هر دلار ۳۰۰۰ ریال معادل مبلغ یارانه اختصاص یافته مواد سوختی و انرژی‌زا در سال ۱۳۷۴ است که حدود ۳۳ هزار میلیارد ریال یعنی يك و نیم برابر بودجه عمرانی سال ۷۵ است.

اختصاص ۶۰ تومان یارانه برای هر لیتر نفت سفید و گازوئیل و ۵۰ تومان یارانه برای هر لیتر بنزین موجب شده است که در مصرف این مواد حیاتی رو به اتمام، اسراف عظیم صورت گیرد. ایران در حقیقت به اندازه هند و چین با بیش از يك میلیارد نفر جمعیت سوخت فسیلی مصرف می‌کند.

اگر هر ماشین پاترول در هفته سه بار، بنزین باک ماشین خود را مصرف کند و هر باک را ۷۰ لیتر فرض کنیم، هر پاترول بابت هر باک بنزین سه هزار و پانصد تومان، هر ماه ۴۵ هزار تومان، هر سال ۵۴۶ هزار تومان و در نتیجه ظرف ده سال حدود ۵/۵ میلیون تومان یارانه دریافت می‌دارد و کسانی که از داشتن وسیله نقلیه و حتی از راه و جاده محرومند، از دریافت یارانه بی نصیب هستند و در حقیقت داراها از حق محرومان استفاده می‌کنند. خانواده‌هایی هستند که خود، همسر و فرزندانشان همگی ماشین در اختیار دارند و مرتباً در سفرهای سیاحتی و تفریحی در رفت و آمدند. این خانواده‌ها ماهانه حدود ۲۰۰ هزار تومان فقط از یارانه سوخت ماشین‌های خود بهره‌مند می‌گردند.

اگر استفاده این خانواده‌ها از یارانه سایر مواد سوختی و انرژی‌زا و یارانه‌ها مربوط به پرواز با هواپیما، تلفن به خارج و ... را محاسبه کنیم، عمق بی‌عدالتی در پرداخت یارانه‌ها که ثروتمندان ۷۵٪ آن را به خود اختصاص داده‌اند، مشخص می‌گردد.

با یارانه‌ای که هر خانواده مرفه ثروتمند از بیت‌المال مسلمانان دریافت می‌دارد، می‌توان چندین خانواده را از فقر نجات داد. به برخی از خانواده‌ها ثروتمند و مسرف سالانه حدود سه میلیون تومان یارانه تعلق می‌گیرد، یعنی هزینه ساخت يك منزل

مسكوني.

فقط با يارانه يك ماشين پاترول در عرض پنج سال مي توان هزينه ساخت يك منزل مسكوني را تأمين نمود.

با يارانه يك سال مواد سوختي و انرژي را مي توان هزينه ساخت بيش از يك ميليون واحد مسكوني را تأمين كرد.

آيا درست است كه ما اين ثروت رو به اتمام را اين گونه ناعادلانه از بين ببريم و آينده کشور را فدای رفاه و اسرافکاری های مرفهان بی درد بکنیم. پس از مجلس شورای اسلامی بخواهیم قاطعانه و سریع به رفه این ظلم بزرگ بپردازند و دولت را در جهت اصلاح امور یاری رسانیم.

## کمتر از مجاز

وزارت نفت و وزارت نیرو پیشنهادهای متفاوتی در تأمین سوخت نیروگاهها دارند. سوخت این نیروگاهها عمدتاً از نفت گوره است که ارزش آن معادل نفت خام یعنی ۱۶ دلار در بشکه یا هر لیتر ۳۰ تومان است.

وزارت نفت، نفت کوره را با تقبل هزینه حمل و نقل از پالایشگاه تا نیروگاهها از قرار لیتری یک تومان تحویل نیروگاه می‌دهد. وزارت نفت خواستار آن است که وزارت نیرو خود حمل این مواد از پالایشگاهها تا نیروگاهها را به عهده گیرد و بابت آن هیچ هزینه‌ای نیز به وزارت نفت نپردازد؛ یعنی نفت کوره را مجانی از پالایشگاه دریافت دارد.

علت این درخواست وزارت نفت این است که هزینه حمل و نقل نفت کوره از پالایشگاه تا نیروگاه بیش از پولی است که از وزارت نیرو بابت نفت کوره دریافت می‌دارد. وزارت نیرو نیز از قبول این پیشنهاد وزارت نفت طفره می‌رود؛ زیرا نمی‌تواند به دلیل قیمت بسیار پایین دریافتی از مشترکین هزینه حمل و نقل را متقبل شود.

دولت با ارائه نفت کوره به نیروگاهها با قیمتی کمتر از مجانی هنوز ناچار است به نیروگاهها کمک بیشتری بپردازد.

دولت یک بار نفت کوره را کمتر از مجانی به نیروگاهها می‌دهد و یک بار دیگر نیز کمک‌های مالی هنگفت به نیروگاهها می‌کند تا بتوانند برق را با قیمت بسیار کم در دسترس مصرف‌کنندگان قرار دهند.

آنگاه بسیاری از افراد بدون توجه به ارزش واقعی برق و هزینه گزاف تمام شده برای دولت در صرفه جویی، در مصرف برق کوتاهی کرده و بلکه به اسراف در مصرف می‌پردازد.

چرا باید در بسیاری از فروشگاهها این همه لامپهای هزار کیلوواتی روشن باشد؟ آیا به میوه فروشی‌ها دقت کرده‌اید؟ آیا واقعاً برای فروش میوه، مثلاً هندوانه، لازم است این همه نورافشانی شود؟

در هیچ جای دنیا همچون ایران چراغها و لوسترهای لوستر فروشیها روشن نیست.  
چرا در ایران چنین است؟!

در جها لوستر يك كالاي لوکس محسوب مي‌شود که هر بابت خرید آن و هر بابت مصرف برق از مصرف کنندگان ماليات دريافت مي‌گردد؛ حال آنکه در ایران هر که لوستر هایش بیشتر و پرمصرف تر است، يارانه دريافتي‌اش از بيت‌المال بیشتر مي‌باشد و این در حالی است که هنوز چند روستاي ايران فاقد برق هستند و این علي‌رغم سرمايه گذاري هنگفت دولت براي برق رسانی به روستاها و عملکرد درخشان دولت در این رابطه است.

با احتساب قيمت واقعي نفت کوره مصرفي نيروگاهها، دولت حدود ۸۰۰ ميليارد تومان بابت برق مصرفي کشور يارانه مي‌پردازد و این يارانه به آن کسي بیشتر تعلق مي‌گیرد که برخوردارتر است.

هر کس خانه وسيع‌تر، لوسترهای بیشتر و بزرگتر، وسايل برقي افزون‌تر، حمام سونا و امثال آن را دارد، بیشتر از این يارانه استفاده مي‌کند.

با يارانه يك سال برق مي‌توان به تمامي روستاهاي کشور بالاي ۲۰ خانوار برق، آب بهداشتي آشاميدني، ساختمان، مدرسه، خانه بهداشت داد و براي تمام آنها راه روستايي ساخت.

يارانه برق بیش از ۱۳ برابر بودجه دفتر مناطق محروم رياست جمهوري، ۱۰ برابر بودجه کمیته امداد امام خميني[۱]، حدود ۱۲ برابر بودجه ستاد بازسازي مناطق جنگي و ۲۶ برابر بودجه سازمان بهزيستي کشور است.

با يارانه ۸۰۰ ميليارد توماني برق را با درآمد ۵۰۰ ميليارد توماني دولت از ماليات کشور و با بودجه ۵۳۰ ميليارد توماني آموزش و پرورش مقايسه کنید و بر اسراف‌هاي که در مصرف برق صورت مي‌گیرد، افسوس بخوريد.

يارانه ۸۰۰ ميليارد توماني برق را با بودجه ۶۰ ميليارد توماني دفتر مناطق محروم، بودجه ۷۰ ميليارد توماني بازسازي مناطق جنگ زده، بودجه ۸۰ ميليارد توماني کمیته امداد امام خميني ۱ و بودجه ۳۰ ميليارد توماني سازمان بهزيستي کل کشور مقايسه کنید و با دولت که خواهان اصلاح وضع موجود و رفع این ظلم بزرگ از ملت ايران، بويژه

از قشر محروم جامعه و مناطق محروم کشور است، همدردی کرده و دولت را یاری رسانید تا سرمایه‌های کشور را در راه بهتری، در راه توسعه اقتصادی کشور و در راه تحقق عدالت اجتماعی به مصرف برساند و حال و آینده بهتری را برای مردم عزیز کشورمان فراهم آورد.

متأسفانه کسانی هستند که آگاهانه و یا ناآگاهانه با ممانعت از کاهش یا حذف یارانه قیمت برق مانع استفاده بهتر از سرمایه‌های کشور در مسیری درست شده و تحت لوای شعار عدالت اجتماعی عملاً مانع تحقق این شعار مقدس و اسلامی می‌شوند.

ادامه دارد

## فقر فراگیر

یکی از منابع مالی مهم دولت و برنامه ریزی برای محور فقر، از طریق کاهش یارانه نفت تأمین می‌گردد. همان طور که قبلاً گفته شده، اختصاص یارانه به مواد سوختی و انرژی‌ها بسیار ظالمانه است، ضمن اینکه کاهش یا حذف یارانه موجب صرفه جویی در مصرف مواد سوختی و انرژی‌ها و در نتیجه بهره‌مندی طولانی‌تر از منابع خواهد شد.

اگر روند رشد مصرف نفت در کشور به روال کونی ادامه یابد، ۱۰ الی ۱۲ سال دیگر ذخایر نفتی ایران به پایان خواهد رسید.

به ۱۲ سال قبل فکر کنیم و ببیندیشیم که این ۱۲ سل چه زود گذشت.

۱۲ سال آینده نیز بزودی طی خواهد شد. آنگاه ایران با پایان ذخایر نفت مواجه خواهد شد و اقتصاد ایران چنانچه تا آن زمان نتوانسته باشد، از وابستگی به درآمد نفت نجات یابد، با فقری فراگیر مواجه خواهد شد و ایران فقیر آن روز باید به فکر واردات نفتی نیز باشد. پس یکی از راه‌های مبارزه با فقر و فقرزدایی ممانعت از ورود کشور به فقر فراگیر و تلاش برای صرفه جویی در مصرف مواد نفتی و حفظ ذخایر گرانقدر می‌باشد و سازمان برنامه و بودجه اخیراً اعلام کرد که ۹ گروه تخصصی برای بررسی ابعاد و زوایای طرح محور فقر تشکیل داده است.

به نظر اینجانب مناسب است یک گروه دهم هم تشکیل شود و آن گروه بررسی چگونگی اداره کشور بدون درآمد حاصل از نفت است.

مردم ما باید بدانند، اگر قرار باشد کشور به درآمد نفتی وابسته شده و تا پایان ذخایر نفتی درآمده‌ای نزدیک، برای همیشه از این ثروت محروم شود، فقری عظیم، کشور را فرا می‌گیرد.

مالیاتی‌های امروز کشور که عملاً از توزیع درآمد نفت اخذ می‌شود کفایت هزینه حتی فقط آموزش و پرورش را نمی‌دهد.

چه خوب می‌شد یک بررسی عمیق از وضعیت ایران بدون نفت صورت پذیرد. آشنایی با این واقعیات کمکی بزرگ برای برنامه ریزان و مردم کشورمان می‌باشد.

پیشنهاد می‌کنم سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهشی و تحقیقی، دانشگاه‌ها، استادان، دانشجویان و بالاخص رسانه‌های گروهی به بررسی وضعیت ایران بدون نفت بپردازند و آن را برای مردم تشریح کنند تا انگیزه‌ای قوی برای تلاش همگانی به منظور اصلاح امور به وجود آید، و باید در این مدتی که نفت داریم، از این سرمایه برای توسعه کشور استفاده کرد، باید آبهای شیرین رودخانه‌های عظیم ایران را که به آب شور می‌پیوندد و این نعمت بزرگ الهی که از دست می‌رود، مهار گردد.

باید صنایع نفتی و پتروشیمی توسعه یابد و از استفاده از مواد نفتی به عنوان مواد انرژی‌زا پرهیز گردد و از این طلای سیاه به عنوان ماده اولیه محصولات حیاتی و گرانبه استفاده شود.

پس تجدید نظر در استفاده از نفت، این سرمایه عظیم اما محدود و تمامی شدنی کشور که امروز با یارانه پرداختی به هدر می‌رود، ضروری است. باید امروز، هم درصد محو فقر باشیم و هم از ورود کشور به فقر همزمان با پایان یافتن ذخایر نفتی ممانعت به عمل آوریم و برای رسیدن به این منظور باید برنامه ریزی کنیم تا ده سال آینده اداره کشور و زندگی ملتمان از وابستگی به درآمدهای نفتی آزاد شود. در این راستا تلاش برای توسعه اقتصادی کشور یک امر ضروری و بلکه حیاتی و واجب است.

فرصت چندانی برای تلاش در این راستا وجود ندارد و هر روز منابع نفتی به پایان خود نزدیک می‌شوند.

شاید لازم باشد رسانه‌های گروهی ما تلاش بیشتری را متمرکز سازند تا این حقیقت به یک باور تبدیل شود.

نفت یک ماده تمام شدنی و غیر قابل تجدید است و ادامه وضعیت فعلی موجب کاهش سریع و در نتیجه منجر به اتمام این ذخایر خواهد شد.

در طرح محو فقر باید توجه داشت که کمک‌ها به صورت ارائه گردد که اشتغال ایجاد شود و اشتغال‌ها نیز باید در جهت افزایش تولید و توسعه اقتصادی کشور برنامه ریزی گردد.

نباید این انتظار در افراد ایجاد شود که بیکار بنشینند و منتظر باشند که دولت معاش



آنان را تأمین کند. برای رفع کامل فقر، باید تمامی آحاد ملت بر تلاش خویش بیفزایند و سعی کنند، زندگی خویش را از طریق کار و تلاش و عرق جبین فراهم آورند و فقط در زمانی که واقعاً توانایی تأمین نیازهای اساسی خویش را از طریق کار ندارند، به کمک دولت و افراد خیر امیدوار باشند.

مطبوعات و رسانه‌های گروهی در معقول نگه داشتن سطح توقع مردم و در ترویج فرهنگ کار و وجدان کار و انضباط اجتماعی نقش اساس دارند که متأسفانه در برخی موارد عکس آن عمل می‌کنند.

کسانی که بدون توجه به درآمدها و منابع مالی دولت به طور مرتب برای هزینه کردن‌ها طرح می‌دهند و توقعات را بالا می‌برند، بدون اینکه طرحی برای چگونگی تأمین منابع مالی آن داشته باشند، به مردم کشور و انقلاب خویش خدمت نمی‌کنند.

هر طرح و پیشنهادی برای هزینه کردن باید تأمین منابع مالی آن را نیز مشخص سازد، متأسفانه در بسیاری از شعارهای تبلیغاتی و پیشنهادی گروه‌ها و جناحها و افراد و رسانه‌ها، پیشنهادهایی ارائه می‌دهند. که علاوه بر افزایش هزینه‌ها و خدمات، کاهش منابع مالی دولت را نیز به دنبال دارد.

چنین پیشنهادهایی عمدتاً نا آگاهانه است و البته در مواردی ناشی از غرض ورزی است و گاهی بوی توطئه می‌دهد؛ پس در دعوت دولت برای ارائه طرح‌ها و پیشنهادی خود در جهت محو فقر لیبیک گفته، پیشنهاد هزینه‌ها و منابع تأمین مالی آن را با هم ارائه نماییم.

به ویژه تلاش خود را در خصوص اداره کشور بدون اتکا به درآمد نفتی و استفاده از این منابع و سرمایه‌ها برای توسعه و آبادانی و زمان پایان نفت متمرکز سازیم، باید دولت را یاری کنیم تا طرح محو فقر را به نحو احسن با پایان برساند و باید بدانیم که با تلاش همگی مردم و همکاری با دولت این آرمان مقدس اسلامی تحقق پذیر است.

ادامه دارد

## خط فقر

در شماره‌های قبل گفتیم که از محل کاهش یارانه مواد سوختی و انرژی‌ها می‌توان هم طرح محو فقر را به اجرا درآورد و هم پروژه‌های عمرانی بسیاری را به اتمام رساند.

برای اطلاع از ابعاد فقر در جامعه باید تعریفی از محو فقر ارائه داد و خط فقر را مشخص ساخت.

در تعیین خط فقر باید نیازهای واقعی هر فرد را محسوب کرد.

میزان کالری مورد نیاز بدن، میزان پوشش مورد نیاز انسان با توجه به آب و هوای محل سکونت، بهداشت، درمان، تحصیل، مسکن و سایر هزینه‌ها را باید مد نظر قرارداد.

سازمان برنامه بودجه از طرف رئیس سازمان برنامه و بودجه در تعریف خط فقر باید امکانات کشور را مد نظر قرار دهد:

برای روشن شدن موضوع ذکر يك مثال می‌تواند مفید واقع گردد:

از نظر ما امروز کسانی که توان خواندن و نوشتن را ندارند، بی‌سواد محسوب می‌گردند؛ حال آنکه با توجه به ارتباطات و توسعه کامپیوتری در برخی کشورهای صنعتی تا حدی پیشرفته افرادی که با کامپیوتر و ارائه اطلاعات به آن و استفاده از اطلاعات موجود در کامپیوتر را ندارند، بی‌سواد محسوب می‌شوند بنابراین در آینده، به خصوص وقتی همه مردم سواد خواندن و نوشتن را داشته باشند، تعریف بی‌سواد تغییر خواهد کرد و کسانی بی‌سواد محسوب خواهند شد که به استفاده از کامپیوتر مسلط نخواهند بود.

مثالی دیگر در رابطه با کشور خودمان روشنگر مسأله خواهد بود، زمانی روستاهایی که از آب آشامیدنی سالم و حمام و مدرسه ابتدایی محروم بودند، محروم محسوب می‌شدند؛ لیکن امروز با پیشرفت امور، روستاهایی که از بهداشت و درمان، راه مناسب، برق، لوله کشی آب و تلفن برخوردار نیستند، محروم تلقی می‌گردند. در گذشته اگر در تهران سر کوچه محله فلکه آب شرب وجود داشت، آن محله

برخوردار از آب آشامیدنی محسوب می‌شود؛ در حالی امروز منزلی که به لوله‌کشی آب مجهز هستند برخوردار از آب آشامیدنی محسوب می‌گردد.

اگر در تعیین خط فقر بخواهیم ملاک‌های حاکم بر کشورهای بسیار ثروتمند را مد نظر قرار دهیم به بیراهه رفته‌ایم.

نباید در تعیین خط فقر ملاک حاکم بر کشورهایایی که با جمعیت کم، چند صد میلیارد دلار و بلکه چند هزار میلیارد دلار درآمد دارند، ملاک قرار گیرند.

پروتئین و انرژی مورد نیاز بدن را، هم می‌توان با ماهی سفید و میگو و خاویار تأمین نمود و هم با مواد ارزان قیمت و فراوانی که در کشورمان تولید می‌گردد.

متوسط سطح مسکن هر خانواده در ژاپن، کشوری با آن همه ثروت، ۴۰ متر مربع و متوسط مسکن هر خانواده در آلمان که ثروتمندترین کشور اروپا است و با پانصد میلیارد دلار صادرات دومین کشور مورد نیاز افراد، باید نیاز واقعی بر اساس توان کشور ملاک قرار گیرد. همچنین تحصیل، پوشاک، بهداشت و سایر نیازها با توجه به توان کشور باید مورد محاسبه قرار گیرد.

طبیعی است خط فقر با توجه به هزینه‌های شهرهای مختلف، متفاوت بوده و با تغییر در قیمت کالاها تغییر خواهد یافت.

بنابراین در سازمان برنامه و بودجه و یا در مرکز دیگری باید مستمراً هزینه‌ها سنجیده شود و خط فقر هر از چند گاهی مشخص و بر اساس آن برای محو فقر تلاش گردد و در آینده پس از موفقیت در محو فقر باید جهت ممانعت از ورود افراد به زیر خط فقر برنامه ریزی گردد.

ادامه دارد

## مالیات فقرزدایی

یکی از راههای تأمین منابع مالی طرح محو فقر اخذ مالیات است. اگر مالیاتها به خوبی وصل شود، بخش از منابع تأمین طرح محو فقر حاصل می‌گردد. امروزه متأسفانه بسیاری از تجار و معامله‌گران از پرداخت مالیات طفره می‌روند و بر جامعه خویش ظلم می‌کنند. متأسفانه نظام مالیاتی ما کامل نیست.

وزارت امور اقتصادی و دارایی باید برای دریافت مالیات به اطلاعات مردمی بیش از پیش تکیه کند و سازماندهی لازم را برای اخذ اطلاعات از مردم و پیگیری وصول مالیات ایجاد کند و مردم نیز باید دولت را در شناسایی ثروت‌هایی که مالیات آن پرداخت نشده است یاری رسانند. اگر مردم بدانند که این مالیاتها در کمک به فقرا به کار خواهد رفت، ارائه اطلاعات از معاملات و مالیات‌های پرداخت شده را نه تنها یک وظیفه خود به عنوان یک شهروند خوب خواهند دانست؛ بلکه به آن به عنوان یک عمل خیر خواهانه و عادلانه خواهند نگریست و برای رضای خدا بیش از پیش به افشای تجار پول پرست و حرام خوار خواهند پرداخت. افراد متمول متدین نیز با حساسیت و اعتقاد و دقت بیشتر به محاسبه مالیات متعلقه و پرداخت آن اقدام خواهند نمود.

مسئلاً برقراری ارتباط مستقیم بین مالیات و طرح محو فقر از نظر روانی و این مساله کمک خواهد کرد. اگر توجه داشته باشیم که میزان مالیات برای سال ۱۳۷۴ حدود ۵۰۰ میلیارد تومان پیش‌بینی شده است، حال آنکه هزینه فصل آموزش و پرورش در بودجه ۵۳۰ میلیارد تومان بوده است، به اهمیت اصلاح نظام مالیاتی و همکار و مشارکت اطلاعاتی مردم با وزارت امور اقتصادی و دارایی پی می‌بریم.

مطبوعات و رسانه‌های گروهی در موافقت این برنامه نقش اساسی و مهمی دارند و باید فرهنگ پرداخت مالیات و اداره کشور از این طریق را به یک فرهنگ عمومی تبدیل کنند.

از موارد دیگری که رسانه‌های گروهی در ترویج آن نقش مهمی می‌توانند داشته باشند، فرهنگ سازماندهی تشکل‌های خیریه است.

متأسفانه بعضی فکر می‌کنند که حل تمامی مسائل و مشکلات فقط به عهد دولت است؛

حال آنکه دولت در همه مراحل متکي به حمايت‌هاي ملت بوده است.  
هر فرد مسلمان بايد براي رضاي خدا و عمل به توصيه‌هاي اسلامي تلاش کند و در  
واقع براي از بين بردن فقر و کمک به محرومان به نحو مناسب و سالم ياري رساند و  
بايد مراقب باشد افراد لاابالي و گدا صفت و تنبل کمک‌ها را به خود اختصاص ندهند و  
بدین وسيله محرومان با حياو محبوب راز اين کمک‌هاي خير خواهانه مرحوم نسازند.

**ادامه دارد**

## یارانه پرواز

هر روز شاهد تصادفات زیادی در جاده‌های بین شهری هستیم و عده‌ای جان خود را از دست می‌دهند و چندین خانواده، بی‌سرپرست و بسیاری از کودکان یتیم می‌شوند. بخشی از این حوادث ناشی از بی احتیاطی رانندگان است و رعایت مقررات رانندگی، بسیاری از این حوادث را کاهش می‌دهد. اقدام دیگری که باید برای کاهش تصادفات جاده‌ای بین شهری انجام داد، اصلاح نقاط حادثه خیز جاده‌ها است.

دولت در سال جاری حدود ۶۰ نقطه حادثه خیز را اصلاح کرده است لیکن هنوز حدود ۱۲۰۰ نقطه حادثه خیز دیگر در جاده‌های ایران وجود دارد. هزینه اصلاح تمامی نقاط حادثه خیز فوق حدود ۵۰ میلیارد تومان است. وزارت راه و ترابری برای اصلاح این نقاط و رفع خطر از مسافران این بودجه را در اختیار ندارد، حال آنکه سالانه ۸۰ میلیارد تومان عملاً به عنوان یارانه پرواز با هواپیما اختصاص یافته است.

آیا بهتر نیست یارانه سفر با هواپیما کاهش یافته و یا بلکه حذف شود و از محل آن تمامی ۱۲۰۰ نقطه حادثه خیز جاده‌ها اصلاح گردد و برای ۲۰۰ میلیون سفر بین شهری امنیت بیشتری تأمین گردد؟!

آیا عادلانه است که هنوز روستاهایی در مناطق محروم کشور از داشتن راه روستایی محروم باشند، آنگاه از بیت‌المال مسلمین ۸۰ میلیارد تومان به عنوان یارانه پرواز اختصاص یابد؟

آیا باید خانواده‌های روستایی در مناطق محروم به دلیل نبودن راه روستایی از دسترسی به موقع به امکانات پزشکی محروم باشند و خانواده‌های مرفه شمال شهر بابت سفرهای سیاحتی- تجارتي به کیش یا سایر نقاط کشور، از بیت‌المال، یارانه دریافت دارند؟

آیا می‌دانید با یارانه‌ای که در يك سال به مسافرت‌های هوایی اختصاص می‌یابد، می‌توان بیش از ده هزار کیلومتر راه روستایی احداث کرد. تکرار می‌کنم ۱۰ هزار

کیلومتر راه روستایی یعنی بیش از ده برابر فاصله تهران- مشهد؟

برای هر نفر که یک ساعت با هواپیما پرواز می‌کند ۱۳ هزار تومان از بیت‌المال یارانه اختصاص می‌یابد. اگر رفت و آمد با هواپیما را در یک مسیر یک ساعتی پرواز محاسبه کنیم، برای هر نفر ۲۶ هزار تومان و برای یک خانواده پنج نفر ۱۳۰ هزار تومان یارانه تعلق می‌گیرد.

با این مبلغی که خانواده‌های مرفه هنگام سفر تفریحی- سیاحتی بابت پرواز با هواپیما دریافت می‌دارند، می‌توان ۲ دار قالی در یک خانواده روستایی بر پا کرد.

با ۸۰ میلیارد تومان (یارانه یک سال پرواز با هواپیما) می‌توان بیش از ۵۰۰ هزار دار قالی بر پا ساخت.

خوب است بدانیم که بودجه ستاد بازسازی مناطق جنگی در سال ۱۳۷۵ حدود ۷۰ میلیارد تومان، بودجه دفتر مناطق محروم ۶۰ میلیارد تومان است، بودجه کمیته امداد امام ۱ حدود ۸۰ میلیارد تومان و بودجه سازمان بهزیستی حدود ۳۰ میلیارد تومان است. آن را با ۸۰ میلیارد تومان یارانه پرواز مقایسه کنید!

آیا کسانی که تحت شعار ممانعت از گران شدن بلیط هواپیما مانع حذف یارانه پرواز و مانع اختصاص آن به مناطق محروم می‌شوند، به محرومان و به کشور خود خدمت می‌کنند؟!

آیا ارزانی بلیط هواپیما از سهم کسانی که حتی از استفاده از ماشین محرومند، عادلانه است؟!

به نظر اینجانب حذف کامل یارانه پروانه با هواپیما و اختصاص آن برای محو فقر، به ویژه در مناطق محروم و بخصوص برای ایجاد راه‌های روستایی و ایجاد اشتغال در این مناطق و برای اصلاح نقاط حادثه خیز جاده‌ها یک اقدام اسلامی، انقلابی، عادلانه و خدا پسندانه است.؟!؟

نظر شما چیست؟

ادامه تعلق یارانه برای پرواز که عده خاصی از آن بهره می‌برند یا اختصاص این بودجه به نفع عموم مردم؟!؟

پس نگذاریم تا عده‌ای ناآگاهانه یا فرصت طلبانه تعلق یارانه به پرواز را تحت عنوان

ممانعت از گران شدن بلیط هواپیما به دولت و ملت تحمیل کنند.

ادامه دارد



## زمانه یوسف 7

حضرت یوسف 7 باتسلط به علم تأویل خواب، دریافت که هفت سال فراوانی خواهد بود و هفت سال بعد قحطي روي خواهد داد.

آن حضرت که امین مصر بودند و حکومت را در دست داشتند، در دوره فراوانی به انبار کردن محصولات پرداختند و مصر را نسبت به دوره عادی محدودتر نیز کردند. این اقدام موجب شد که در دوران قحطي، مردم مصر دچار فقر نگردند و حکومت مصر عزیز شود و از اطراف، دست نیاز به سوی ایشان دراز گردد.

امروز ما در شرایط مشابه زمانه حضرت یوسف 7 قرار داریم، لیکن برای تشخیص موقعیت نیاز به علم تأویل خواب نیست.

کارشناسان می‌گویند باورند رشد مصرف نفت، حدود ۱۰ سال دیگر ذخایر نفتی کشور به پایان خواهد رسید؛ یعنی تا ۱۰ سال دیگر از فراوانی مواد نفتی برخورداریم و بعد از آن با پایان ذخایر نفتی نیازمند تأمین این مواد از خارج از کشور خواهیم بود.

ارزش نفت تولیدی ایران در سال ۲۵ میلیارد دلار است که برای تولید آن حدود ۲ میلیارد دلار هزینه کرده و ۱۴ میلیارد دلار آن را صادر نموده و ۱۱ میلیارد دلار پس از پالایش، حمل و نقل و توزیع به حدود یک میلیارد دلار به فروش می‌رسانیم.

اگر ایران همچون ژاپن، فرانسه و آلمان فاقد نفت و دیگر معادن بود و می‌خواست همچنان از ۱۴ میلیارد دلار درآمد خارجی برخوردار باشد و بودجه لازم برای خرید نفت معادل نفت مصرفی در کشور را نیز تأمین نماید، می‌بایست لااقل ۲۵۰ میلیارد دلار صادرات داشته باشد تا با احتساب ۱۰٪ سود احتمالی بتوان ۲۵ میلیارد دلار درآمد خالص داشته باشد. چنانچه با احتساب فرض فوق، ۱۰ سال دیگر را سال پایان ذخایر نفت ایران بدانیم. برای اینکه ده سال دیگر شرایطی مساوی با شرایط امروز را داشته باشیم باید هر سال ۲۵ میلیارد دلار بر صادرات کشور افزوده گردد، حال آنکه ۱۰ سال دیگر بر جمعیت ایران افزوده خواهد شد، قیمت نفت با پایان ذخایر ایران بشدت افزایش خواهد یافت و نفت بیشتری نیز برای تولید محصولات به ارزش ۲۵۰ میلیارد دلار نیاز خواهد بود.

با احتساب شرایط فوق شاید لازم باشد هر سال بیش از ۳۰ میلیارد دلار بر صادرات ایران افزوده شود تا مردم کشورمان از شرایط مساوی با امروز برخوردار شوند.

۱۰ سال مدت زیادی نیست، کافی است به ۱۰ سال قبل بیندیشیم و در آن اندیشه کنیم که چه زود این ۱۰ سال دیگر نیز بزودی فرا خواهد رسید.

آیا به وضعیت ایران پس از پایان نفت اندیشیده‌ایم؟! آیا می‌دانیم که در آمد حاصله از مالیات کل شکر حتی برای اداره آموزش و پرورش کفایت نمی‌کند؟ حال آنکه اخذ این مالیات نیز از توزیع درآمد نفت ممکن می‌گردد.

لذا اداره کشور بدون اتکاء به درآمد نفت یک دغدغه فکری برای مدیران کشور است. موضوع اصلی این است که برای مواجهه با ایران بدون نفت باید چاره اندیشی کرد و فرصت چندانی نیز باقی نمانده است؟

مساله اصلی این اینکه در آمدهای نفتی طی این ده سال چگونه هزینه شود تا مردم ما با سختی و قحطی مواجه نگردند.

اگر درآمد ایران از صادرات نفت راهر ساله ۱۴ میلیارد دلار فرض کنیم، طی ده سال ۱۴۰ میلیارد دلار حاصل خواهد شد؛ ۲۰ میلیارد دلار آن بابت هزینه‌های استخراج و ۲۰ میلیارد دلار دیگر نیز بابت بازپرداخت بدهی‌های قبلی باید محاسبه شود، لذا ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد بابت ذخایر نفتی متصور است.

مساله این است که این ۱۰۰ میلیارد دلار را چگونه هزینه کنیم. متأسفانه تمام پیشنهادهایی که به دولت می‌شود در مورد هزینه کردن آن برای رفاه امروز جامعه، بدون در نظر گرفتن وضعیت آینده است.

کسانی که پیشنهاد می‌کنند با واردات بیشتر کالا، یا افزایش انواع یارانه‌ها، برای تأمین وسایل رفاهی مردم، این درآمدها را هزینه کنیم، منافع مردم را دنبال نمی‌کنند و لاقلاً در تشخیص منافع مردم عاجزند.

امروز همچون ۷ سال اول دوران حضرت یوسف ۷ فراوانی است و بعد از آن دوران کمبود فرا خواهد رسید و برای مواجهه با آن وضعیت، اتخاذ سیاسی یوسف‌وار ضروری است.

مقام معظم رهبری در پیام نوروزی امسال بر ضرورت پرهیز از اسراف و زیاده

روي در استفاده از منابع ثروت تاكيد فرمودند و اظهار داشتند: مسوولان دولتي و همه كساني كه مأمور انجام وظايفي در امور دولتي هستند و همچنين آحاد مردم وظيفه دارند كه از اسراف در ثروت عمومي و موجوديهاي كشيور، اسراف در منابع طبيعي و زياده روي در مصرف نان، آب، انرژي و نيروي انساني پرهيز كنند و براي اين منظور مسوولين دولتي موظف به برنامه ريزي هستند.

جناب آقاي هاشمي رفسنجاني رئيس محترم جمهوري اين بازوي تواناي رهبري به خوبي به اين واقعيت ها واقفند و در صددند سرمايه هاي امروز كشيور را در امور زير بنايي هزينه كنند. اما متأسفانه شاهدديم كه حتي برخي برادران ديني ايشان نيز به تنها ايشان را ياري نمي كنند بلكه به مخالفت با سياستها و اعمال فشار بر دولت مي پردازند. برادران حضرت يوسف 7 نيز كه خود پيغمبرزاده بودند اين چنين عمل كردند.

براي دولت راحتتر است كه در آمدهاي امروز را در جهت رفاه موقت مردم خرج كند و تايبد و تعريف گروه ها را نصيب خويش سازد، ولي آيا اگر چنين كند مصالح ملت را در نظر گرفته است؟!

خوشبختانه ايران كشيوري غني است. انواع و اقسام و منابع و معادن در ايران وجود دارد، اما اين منابع در آفريقا نيز وجود دارد، ليكن مردم آن در گرسنگي و فقر و تنگدستي به سر مي برند.

چرا؟ براي اينكه توان تبديل امكانات بالقوه را به بالفعل ندارند. براي استخراج معادن به سرمايه گذاري نياز است و آنها به فاقد خاطر فقدان اين سرمايه براي مهار كردن آبها، افزايش توليد، و مكانيزه كردن كشيورزي و توسعه صنايع كشيورزي و دامپروزي به سرمايه گذاري خارجي نياز مند هستند.

#### ادامه دارد

يكي از برنامه هايي كه دولت بايد طي سالهائي آينده دنبال كند كسب توان تبديل امكانات بالقوه به بالفعل است و الحق تا آنجا كه اجازه و امكان يافته، در اين راه گام برداشته و موفق بوده است، ليكن اين اقدامات براي مواجهه با ايران بدون نفت كفايت نمي كند.

هنوز دو سوم آبهاي سطحي كشيور از مرز خارج مي شود عمدتاً به دريا مي ريزد. اين

آبها باید مهار شوند و در توسعه کشاورزی به کار روند. دولت ۳۳ سد را در دست ساخت دارد و هر ۴۵ روز یک سد افتتاح خواهد شد و ۸۰ صد در دست مطالعه است که به محض پایان مطالعات آن عملیات اجرایی آن آغاز خواهد شد، لیکن باید بسیار بیشتر از این کار شود و این امر بودجه بیشتری می‌طلبد.

باید گازهایی که امروز بر فراز چاههای نفت می‌شوزد هر چه زودتر مهار گردد و در پتروشیمی مورد استفاده قرار گیرد، دولت در این مسیر گامهای بزرگی برداشته است، لیکن باید تلاشها در این زمینه ابعاد گسترده تری بگیرد و این امر بودجه بیشتری می‌طلبد، باید منابع مشترک نفتی ایران و کشورهای جنوب خلیج فارس هر چه زودتر استخراج گردد و ایران از سهم خویش استفاده کند. دولت در این مسیر تلاش می‌کند، لیکن کشورهای عربی با حمایت غربیها به شدت به استخراج نفت از منابع مشترک پرداخته و سهم ما را نیز غارت می‌کنند. باید برای استخراج نفت از اعماق خلیج فارس و همچنین دریای خزر سرمایه گذاری هنگفتی صورت گیرد. دولت در این راه قدمهایی موثری برداشته است، لیکن کافی نیست. باید سرمایه گذاری عظیم تری صورت گیرد و این امر نیاز به بودجه بیشتری دارد لیکن بودجه دولت محدود است.

رودخانه کارون به تنهایی قادر است ۱۵ هزار مگا وات برق تولید کند، حال آنکه کل برق تولیدی از سدها کمتر از ۲ هزار مگا وات است و کل برق کشور نیز کمتر از ۲۰ هزار مگاوات می‌باشد که عمدتاً از سوخت مواد نفتی تأمین می‌شود. آب رودخانه های کارون و دز مشترکاً می‌توانند بیش از یک میلیون هکتار زمین را زیر کشت آبی مطمئنی ببرند. این مقدار برابر دو سوم کل وسعت استان گیلان است.

باید هر چه زودتر در مسیر این رودخانه‌ها سدهای متعددی ساخته شود و علاوه بر استفاده از آن برای مهار آبها و توسعه زمین‌های زیر کشت از آنها برق تولید گردد. این امر قدمی بزرگ به سوی توسعه و رفاه است که البته بودجه‌های هنگفتی می‌طلبد.

باید هر چه زودتر با کندن تونلهای، ساخت پل‌ها و احداث بزرگراهها و راه آهن، مسیر راههای موجود کشور را کاهش داد تا از هزینه‌های حمل و نقل کاسته شود. دولت در این زمینه موفقیت‌های بزرگی به دست آورده و ساخت ره آهن بافق- بند عباس و راه آهن در دست ساخت مشهد سرخس یک موفقیت استراتژیک است، لیکن باید سرمایه

بیشتری را در این زمینه صرف کرد.

توسعه روز افزون مخابرات باید هر چه گسترده‌تر و سریع‌تر انجام گیرد. دولت موفقیت‌های غیر قابل انتظاری بدست آورده است ولی هنوز راهی طولانی در پیش است و این امر سرمایه‌گذاری هنگفتی را می‌طلبد.

باید از نعمت دریا در جنوب و شمال کشور هر چه بیشتر استفاده کرد و برای این امر هم توسعه بندرها و ساخت اسکله‌ها و هم ساخت و تملیک کشتی‌های پیشرفته و مجهز و گسترش استخرهای پرورش میگو و ماهی یک ضرورت است و این هر دو سرمایه‌گذاری هنگفتی را می‌طلبد. دولت در هر دو زمینه فعالیت‌های چشمگیری انجام داده، اما برای کشوری، با سواحل بسیار طویل، بیش از این باید تلاش شود و این امر نیاز به بودجه‌های هنگفت دارد.

تبدیل نفت خام به فرآورده‌های نفتی، توسعه پتروشیمی و ایجاد کارخانه‌های تولید محصولات پلاستیکی از برنامه‌های مهمی است که دولت در آن سرمایه‌گذاری کرده و موفقیت‌های معجزه آسایی بدست آورده است، لیکن هنوز تا رسیدن به وضعیت ایده آل راهی دراز در پیش است.

ایران معدن عظیم سنگ‌های تزئینی است و در جهت صادرات آن گام‌های موثری برداشته شده است، لیکن باید به جایی برسیم که سنگ‌های صیقل خورده و آماده نصب در ساختمانها تولید و صادر گردد و از صدور سنگ خام پرهیز شود و برا رسیدن به این مقصد راهی طولانی در پیش است و به سرمایه‌گذاری بسیار زیادی نیاز می‌باشد.

توسعه ذوب انواع فلزات و تولید انواع محصولات از برنامه‌های ضروری برای تقویت اقتصادی ایران می‌باشد و ایران به عنوان یکی از غنی‌ترین کشورهای نیاز به فعالیت بیشتری دارد گر چه از وارد کننده به صادر کننده این محصولات تبدیل شده‌ایم.

زمینه‌های بسیار بیشتری باید به زیر کشت رود و مهار آنها و آبیاری تحت فشار این امکان را فراهم خواهد ساخت تا مقدار زمین‌های زیر کشت به دو برابر وضعیت موجود افزایش یابد.

صدها طرح بزرگ و هزاران طرح کوچک باید در کشور انجام شود تا اقتصاد ایران از وابستگی به درآمد نفتی نجات یابد.

همه این طرحها ایرانی آبد و توسعه یافته را ممکن می‌سازد، اما این طرحها بودجه می‌خواهد و بودجه نیز محدود می‌باشد. علی‌رغم نیاز سریع کشور به سرمایه‌گذاری متأسفانه شاهد اسراف بسیار زیاد در منابع کشور هستیم.

مصرف فرآورده‌های نفتی در ایران با هند و چین برابری می‌کند، حال آنکه آنها از جمعیت میلیارد برخوردارند.

سالانه ۱۱ میلیارد دلار یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا می‌باشد که موجب اصلی اسراف فوق شده است.

همان‌طور که تاکید شد در صورت روند رشد مصرف نفت به روال کنونی، ۱۰ یا ۱۱ سال دیگر شاهد پایان ذخایر نفت خواهیم بود. لیکن در صورت مصرف بهینه این فرآورده‌ها، در سال ۱۴۰۰ نیز از ذخایر نفتی برخوردار خواهیم بود، و این قبل از هر چیز دیگر در سایه اصلاح قیمت فرآورده‌های نفتی و حذف یارانه آن ممکن می‌گردد. ایران زمینه آن را دارد به مهد تمدن عصر حاضر تبدیل گردد و برای این کار باید از طرفی بر کار و تلاش خود بیفزائیم و از سوی دیگر ضمن جلوگیری از اسراف، در مصرف صرفه جویی کنیم.

ایران بر سر دو راهی قرار دارد، یک راه به سعادت خوشبختی و رفاه و آسایش و عزت و اقتدار کشور ختم می‌گردد و راه دیگر به فقری گسترده، عظیم و فراگیر می‌انجامد. اگر خواهیم از تاریخ پیاموریم حضرت یوسف ۷ راهنمایی خوبی هستند.

در قرآن کریم سوره یوسف آیه ۴۷-۴۹ آمده است: باید هفت سال متوالی زراعت کنید و هر خرمن را که درو می‌کنید جز کمی که قوت خود می‌سازید همه را با خوشه در انبار ذخیره کنید. که چون این هفت سال بگذرد هفت سال قحطی پیش آید که ذخیره شما به مصرف قوت مردم برسد جز اندکی که باید (برای تخم کاشتن) در انبار نگاه دارید. آنگاه بعد از سنوات قحط و شدت باز سالی آید که مردم در آن به آسایش و وسعت و فراوانی و نعمت می‌رسند.

ما نیز چاه‌ای جز این نخواهیم داشت. چندین سال متوالی باید بی‌وقفه تلاش کنیم و از تولیدات حاصله جز کمی که در حد قوت باشد مصرف نکنیم و درآمدها را سرمایه‌گذاری نماییم. آنگاه این سرمایه‌گذاری ما را در گذران دوران بعد از پایان نفت یاری

خواهد رساند و پس از آن سالهائي خواهد آمد که آسایش و وسعت و فراواني بر کشور حکمفرما خواهد شد.

اينک ما از در آمد نفت بهره‌منديم در حالي که مي‌دانيم اين ماده هم تمام شدني است و هم تجديد ناشدني و علي رغم آن عادت به اسراف در مصرف آن داريم.

مقام معظم رهبري در دومين سخنراني خود خطاب به ملت که در مشهد ايراد فرمودند، راه درست را به مردم نشان دادند. ايشان تاکيد فرمودند که بايد اقتصاد ملت ايران از نفت جدا شود... ما بايد کاري کنيم که ملت و دولت ايران، وابسته به نفت خود نباشد... دولت ما... بايد کاري بکند که تواند روزي به دنيا اعلام کند که از امروز تا شش ماه ديگر تا يكسال يا چهل روز ديگر، در چاههاي نفت را مي‌خواهم ببندم. مي‌خواهم يك قطره نفت صادر نکنم. دولت بايد بتواند تصميم بگيرد. بايد به نفت احتياج نداشته باشد....

مقام معظم رهبري در اين سخنراني فرمودند که به دولت ابلاغ فرموده‌اند که براي جدائي اقتصاد ملت ايران از نفت برنامه ريزي کند تصريح کرده‌اند که اگر چنين شود، بسياري از مشکلات اين کشور کاهش پيدا خواهد کرد. و افزوده‌اند که: البته به شرط اين که همه ملت، همه کساني که بازوي توانا، فکر و قلم فعال، زبان گويا و دل بيدار دارند، پشت در پشت، با همين وحدتي که امروز در ميان ملت هست، تلاش کنند...

موقعيت را دريابيم و براي پيش گيري از سقوط در ورطه فراگير فقر و رسيدن به آسایش و فراواني و محو فقر، يوسف وار عمل کنيم و مطمئن باشيم که در اين صورت تحقق تمدن بزرگ اسلامي نزديک خواهد بود.

## دردناکترین صحنه

حضرت علي 7 فرمودند: (۱)

هر کس آب و خاک در اختیار داشته باشد سپس در اثر عدم بهره‌برداری از آب و خاک و در اثر عدم کاشت و برداشت کارش به فقر و تهیدستی برسد خداوند متعال او را از رحمت خود دور خواهد فرمود.

آب شیرین رودخانه کارون با آن عظمت و بزرگی از میان بیابان‌ها می‌گذرد و به آب شور دریا می‌پیوندد و زمین‌هایی را باید با آب خود سیراب و سرسبز و خرم کند، پشت سر می‌گذارد. بسیاری از رودخانه‌ها از جمله رودخانه کرخه نیز همین وضعیت را دارند.

اگر عمیق فکر کنیم امروز زشت‌ترین و فجیع‌ترین صحنه‌ها، صحنه ورود آب شیرین رودخانه‌ها به آب شور دریا است. مهار نکردن آب رودخانه‌ها و عدم استفاده از آن برای کشاورزی، کفران نعمت است. استان خوزستان از سه نعمت بزرگ آب، خاک و آفتاب به وفور برخوردار است و اگر آب‌هایی را که فقط در استان خوزستان به هدر می‌رود و مهار شدنی است مهار کنیم، به شیوه سنتی می‌توانیم یک و نیم میلیون هکتار زمین یعنی بیش از کل وسعت استان گیلان را در خوزستان به زیر کشت آبی ببریم. اگر از شیوه آبیاری تحت فشار استفاده کنیم مقدار بسیار بیشتری زمین به زیر کشت آبی خواهد رفت. خوزستان هم خاک دارد و هم آب و آفتاب، حال آنکه حضرت علي 7 داشتن آب و خاک و عدم بهره‌برداری از آن را موجب دوری از رحمت خداوند متعال دانسته‌اند.

دستگاه عظیم خلقت، کار تصفیه آب، حمل و نقل و توزیع زمانی و مکانی و آب دریا را به صورت باران انجام می‌دهد، تا که ما "نانی به کف آریم و به غفلت نخوریم". ولی ما کفران نعمت کرده و از این نعمت بزرگ که در قرآن کریم از آن به عنوان "آب مبارک" (۲) و با برکت نام برده شده است، استفاده شایسته نمی‌کنیم.

آیا می‌دانید دوسوم آب‌هایی که از آسمان نازل می‌شود از مرزهای کشور خارج شده و عمدتاً به دریا می‌ریزد؟!

ساختن سدها یکی از راه‌های اساسی مهار آب‌ها است، و در کنار تأمین آب می‌توان



از آن برق نیز تولید کرد. رودخانه کارون قادر است ۲۰ هزار مگاوات یعنی بیش از کل برق تولیدی کشور برق تأمین کند.

دولت ۳۳ سد را در دست ساخت دارد و حدود ۸۰ سد دیگر در دست مطالعه است. بنابر اعلام مقامات مسئول هر ۴۵ روز یک سد مخزنی به بهره‌برداری می‌رسد. سد مخزنی کرخه که ۳۸ برابر سد کرج ظرفیت دارد و ۴۰۰ هزار هکتار یعنی بیش از یک چهارم کل وسعت استان گیلان را زیر کشت آبی مکانیزه تحت فشار می‌برد، یکی از این سدهای در دست ساخت است.

جناب آقای هاشمی رفسنجانی رئیس محترم جمهور تأکید کرده‌اند که به محض پایان یافتن مطالعات مربوط به هر سد کار اجرایی آن را آغاز کنند، گرچه این امر در کوتاه مدت به معنی کاهش بودجه سایر بخش‌ها و مستلزم تحمل برخی کمبودها در کالاهای مصرفی وارداتی است؛ لیکن امری ضروری و اسامی می‌باشد و موجب اقتدار و عزت و آینده‌ای مطمئن‌تر و با رفاه بیشتر برای مردم است.

تسریع در مهار آب‌ها و به زیر کشت بردن زمین‌های بایر، نیازمند بودجه است و بودجه دولت نیز محدود می‌باشد.

همان‌طور که در شماره‌های قبل گفتیم، بخش عظیمی از ثروت کشور یعنی ۱۱ میلیارد دلار سالانه به یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا اختصاص یافته است و این امر موجب اسراف در مصرف فرآورده‌های نفتی شده است. توجه ویژه به این موضوع که بیش از ۷۵٪ یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا به خانواده‌های ثروتمند تعلق می‌گیرد، ما را در تصمیم‌گیری یاری می‌رساند.

قبلاً تأکید شده بود که درک بزرگی میزان یارانه کار آسانی نیست!

هیچ می‌دانیم که یارانه هر روز مواد سوختی و انرژی‌زا برابر هزینه ساخت یک سد است؟!!

اگر روزی خدای ناکرده، دشمن به انهدام چند سد کشور بپردازد، آن را فاجعه تلقی کرده و به مقابله با دشمن می‌پردازیم و آیا می‌دانیم ثروتی را که باید با آن سدها را بسازیم و آب‌ها را مهار کنیم، تنها به صورت اسراف در مصرف نفت از بین می‌بریم؟! آیا می‌دانیم ما هر روز هزینه ساخت یک سد را (به صورت یارانه مواد سوختی و

انرژي زا) تلف مي‌کنيم.

آيا حاضريم همان‌طور که به مقابله با دشمن مي‌رويم، با اسراف مقابله کنيم؟! آيا بهتر نيست که با ثروت عظيم و تمام شدني نفت، به سوي مهار کردن ثروت عظيم آب گام برداريم و با استفاده از آب، بيابان‌هاي مستعد کشاورزي را به باغستان تبديل کنيم و از محصول آن براي تأمين نياز مردم استفاده کنيم و ثروتي عظيم‌تر و پايدارتر بدست آوريم.

مهار آب و توسعه کشاورزي يکي از مهمترين راه‌هاي محو فقر و موجب سعادت و عزت ملت و خشنودي خداوند متعال است.

حضرت رسول اکرم 6 فرموده‌اند: (۳)

هر وقت عمر جهان به آخر رسیده، هرگاه قيامت بخواهد قيام کند و عالم بخواهد منقرض شود و دردست يکي از شما نهال درختي باشد، چنانچه به قدر کاشتن آن فرصت باشد، بايد آن را بکار د و از فرصت باقیمانده استفاده نمايد.

وسائل الشيعه جلد ۶

سوره ق آيه ۹

مستدرک الرسائل جلد ۲ صفحه ۵۰۱

## تورم مطلوب و نامطلوب!

اغلب مطبوعات تورم را یکی از عوامل ایجاد فقر عنوان می‌سازند. تورم دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد؛ گاهی نشانه ضعف اقتصاد و گاهی لازمه رشد آن است. گاهی عامل ایجاد فقر و گاهی مقدمه لازم برای محو فقر می‌باشد.

یک مثال می‌تواند این موضوع را روشن کند. درد عضلات بدن ابتدا به ساکن علامت خوبی نیست، لیکن اگر فردی برای سلامتی خویش به ورزش روی آورد، فعل و انفعالاتی در بدنش ایجاد می‌شود و در ابتدا مدتی به درد عضلات دچار می‌گردد. این درد، طبیعی و مرحله‌ای از مرحله پیشرفت به سوی سلامت است.

مثالی دیگر در مورد یک نمونه صنعتی می‌تواند موضوع را روشن‌تر سازد: دولت ساخت ۲۰ خط تولید سیمان را برای تولید ۱۲ میلیون تن سیمان در سال برنامه ریزی کرده است. سیمان خاش که اخیراً توسط رئیس محترم جمهوری افتتاح گردید، یکی از همین کارخانه‌های سیمان است.

این کارخانه‌ها در مرحله ساخت به مصرف سیمان نیاز دارند. یعنی تا لحظه آغاز بهره‌برداری بدون اینکه حتی یک کیسه سیمان تولید کنند، هزاران تن سیمان مصرف می‌کنند. بدین معنی که در طول مدت ساخت کارخانه سیمان، بر بازار سیمان موجود در کشور فشار وارد می‌شود و بدون اینکه بر میزان عرضه آن بیفزاید، مصرف آن را افزایش می‌دهد. این امر موجب افزایش قیمت سیمان در کشور می‌گردد. به محض پایان یافتن ساخت کارخانه، این کارخانه دیگر نیاز به مصرف سیمان ندارد؛ یعنی از میزان مصرف سیمان کاسته می‌شود و معادله عرضه و تقاضا به نفع عرضه تغییر می‌کند. از طرفی دیگر، کارخانه با آغاز تولید، شروع به ارائه سیمان به بازار مصرف می‌کند، بدین ترتیب باز هم معادله عرضه و تقاضا را به نفع عرضه تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پس هنگام ساختن کارخانه‌های سیمان شاهد، تورم قیمت‌ها و پس از بهره‌برداری شاهد اثر ضد تورمی خواهیم بود. این نوع تورم علامت سلامتی و پیشرفت اقتصادی است. در حالتی دیگر، مثلاً اگر برخی از کارخانه‌های سیمان از بین بروند، از عرضه سیمان کاسته می‌شود و موجب تورم می‌گردد. این تورم، تورمی منفی و نگران‌کننده

است. اما هر تورمی علامت منفی نیست و هر تورمی پایدار نمی‌باشد؟

اگر در جهت تولید و توسعه اقتصادی کشور سرمایه گذاری کنیم، در زمان انجام طرح فشار زیادی بر بازار وارد خواهد آمد و تورمی قابل توجه را در پی خواهد داشت و با به نتیجه رسیدن طرحها آثار تورمی آن به سرعت کاهش یافته و با افزایش تولیدات وضعیت اقتصادی کشور و عمومی مردم بهتر از قبل خواهد شد. در اینجا باز مثالی می‌تواند روشن کننده موضوع باشد.

کارمندی را در نظر بگیرید که مستأجر است و حقوق خویش را علاوه بر پرداخت اجاره برای گذران زندگی مصرف می‌کند. حقوق این کارمند را نیز مناسب فرض کنید. این کارمند پس از پایان ساعات اداری به منزل آمده و در کنار خانواده خویش به سر می‌برد. هر ساله با خانواده به یک مسافرت سیاحتی و یا زیارتی می‌رود. چند دست فرش دستباف دارد و در آپارتمان مثلاً ۱۵۰ متری زندگی می‌کند. اگر این فرد تصمیم به ساختن خانه‌ای بگیرد، برای تأمین هزینه ساختن مجبور می‌شود، فرش‌های زیر پای خود را بفروشد، از سفر سیاحتی و زیارتی صرف نظر نماید، آپارتمان ۱۵۰ متری را رها کرده و آپارتمان کوچکتری را احیاناً در منطقه دیگری برگزیده تا اجاره کمتری بدهد، مجبور خواهد شد پس از پایان وقت اداری به رفق و فتق امور ساختمان پرداخته و تا دیر وقت مشغول کار و نظارت بر ساختمان در حال ساخت باشد. این کارمند در طول مدت ساخت، هم هزینه ساختمان در دست ساخت را می‌پردازد و هم ناچار است اجاره پرداخت کنیم.

در این دو سال ساخت خانه، کارمند و خانواده‌اش با سختی زیادی روبرو می‌شوند، او از ساختمان در حال ساخت هیچ استفاده‌ای نمی‌تواند بکند، لیکن پس از پایان ساختمان، آنها خانه اجاره‌ای را رها کرده و در منزل جدید ملکی خویش مستقر می‌شوند. دیگر نه هزینه ساخت دارند و نه نیاز به پرداخت اجاره وضع زندگی این خانواده دگرگون می‌شود و از نظر اقتصادی از آینده‌ای مطمئن تر برخوردار می‌گردد.

اگر او به جای یک آپارتمان ۱۵۰ متری دو آپارتمان ۷۵ متری ساخته باشد، از وضعیت بهتری برخوردار خواهد شد، زیرا می‌تواند در یک آپارتمان زندگی کرده و آپارتمان دیگر را نیز اجاره دهد و از اجاره آن بهره‌مند گردد.

حال وضعیت این کارمند را در حالی که در اوج مشکلات دوران ساخت است با وضعیت کارمندی که روال سابق را ادامه می‌دهد، مقایسه کنید. ظاهر امر، در آن مقطع، آن است که کارمندی که تمام حقوق خود را خر گذران زندگی به روال معمول می‌کند وضعیتش بهتر است. لیکن واقعیت چیزی دیگری است.

در اینجا اطلاع خانواده از آثار مثبت تحوли که با ساخت خانه در زندگی و آینده اعضاي آن خواهد داشت بسیار ضروري و موثر خواهد بود و موجب تحمل مشکلات دوران سازندگی و مشارکت در آن می‌گردد. اگر ساختن يك آپارتمان چنین تحوли را در مراحل مختلف زندگی يك کارمند ایجاد می‌کند، انجام پروژه‌هاي عظیم ملي نیز تأثیری مشابه در زندگی خانواده‌اي بزرگ به نام ملت دارد.

ساختن سدها، راهها، راه آهن‌ها و بندرها، ساختن کارخانه‌هاي ذوب آهن و پتروشیمی و پالایشگاهها و نیروگاه‌ها و صدها نمونه دیگر که گاه ۷ الي ۱۰ سال نیز دوران ساخت آن طول می‌کشد، از همین قاعده پیروي می‌کند. در دوران سازندگی بر ملت فشار می‌آید، لیکن این فشار لازمه توسعه است و توسعه مقدمه رفاه و آسایش روزافزون. تورم موجود در کشور عمدتاً ناشی از سازندگی عظیم و بي سابقه در تاریخ ایران است. سازندگی‌اي که برای تحقق عدالت اجتماعي و توسعه اقتصادي و رفاه عمومي اجتناب ناپذیر است و انشاء... ثمرات مثبت و ضد تورمي آن در آینده مشهود خواهد گردید.

نباید فراموش کرد که رد صورت ادامه اتکاي اقتصادي کشور به درآمدهاي حاصله از صادرات نفت، در صورت پایان ذخایر نفتی، کشور با بحراني بي سابقه و فقري فراگیر روبرو خواهد شد و توسعه و سازندگی از وابستگی راه نجات اقتصاد کشور از به درآمدهاي نفتي است و موجبات ارتقاء رفاه و اقتدار روز افزون ملت را فراهم می‌آورد.

بنابراین سرمایه گذاری هر چه بیشتر در توسعه و سازندگی لازمه محو فقر و تحقق عدالت اجتماعي است.

ادامه دارد

## توهم

چهره معروف دانش مدیریت کنیچی اوماي می‌گوید که کشورهای که منابع زیرزمینی و نفتی دارند و کشورهای نفتی که برخوردار از منابع طبیعی غنی هستند، دچار مرضی می‌شوند به نام «توهم منابع» این کشورها تصور می‌کنند که منابعشان پایان ناپذیر است. در این کشورها با توجه به توهم منابع، استراتژی بنگاه‌ها و شرکت‌ها و افراد به گونه‌ای طراحی می‌شود که همه می‌خواهند بخشی از این منابع را از آن خود کنند. یعنی به جای اینکه استراتژی بنگاه‌ها و شرکت و افراد به گونه‌ای طراحی می‌شود که همه می‌خواهند بخشی از این منابع را از آن خود کنند. یعنی به جای اینکه استراتژی حرکت به اتکای منابع درونی و ذاتی و توانایی‌ها طراحی شود به این ترتیب طراحی می‌شود که سهمی از دولت بگیرند. این استراتژی نحوه نگرش بنگاه‌های صنعتی به مسائل بازاریابی و مسائل تولید و اقتصاد را به شکل نادرستی شکل می‌دهد. یعنی سستی و لختی ایجاد می‌کند و کمتر کسی تحرك لازم برای بازاریابی و نوآوری‌های تکنولوژیکی از خود نشان می‌دهد (به نقل از هفته نامه بهمن مورخ ۷۵/۲/۱).

واقعیت این است که هم مردم و هم بسیاری از مدیران مسوول کشور به چنین توهمی که دانشمند ژاپنی از آن تحت عنوان «توهم منابع» یاد می‌کند گرفتارند. گویی باور نداریم که نفت ماده‌ای تمام شدنی است و به سادگی از کنار نتیجه بررسی‌های کارشناسان می‌گذریم؛ بررسی‌ای که نشان می‌دهد در صورت ادامه روند رشد مصرف نفت به روال کنونی، سال ۱۳۸۶ یعنی ۱۱ سال دیگر، سال پایان ذخایر نفت کشورمان خواهد بود.

بسیاری از کسانی که زحمت پذیرش این واقعیت را بر خود هموار می‌کنند وجود سایر ذخایر را مورد تاکید قرار می‌دهند و متأسفانه نتیجه گیری‌ای که از وجود ذخایر خداداد می‌شود آن است که بر خود زحمت کار و تولید را ندهیم و انتظار داشته باشیم که با فروش این ذخایر، روزگار بگذرانیم و در نتیجه بر سر سایر منابع آن کنیم که بر سر نفت می‌کنیم. بدتر از آن اینکه دولت را مسئول تبدیل این ذخایر بالقوه به بالفعل بدانیم و برای خود به عنوان مردم نقشی جزء مصرف رو به تزایه قائل نباشیم و بدتر از بد آنکه

عده‌ای نیز هر روز بر توقعات عمومی از دولت در این زمینه‌ها دامن زده و انتظارات را به حدی بالا ببرند که اگر حتی توان اقتصادی کشور ده برابر وضعیت فعلی نیز بشود دولت نتواند آن توقعات را برآورده سازد و لذا همیشه بدهکار محسوب گردد.

البته هستند کسانی که به اثر مخرب اتکاء به درآمدهای نفتی و معدنی کشور در اداره زندگی روزمره مردم واقفند و با مشاهده سایر مللی که فاقد چنین منابع خدادادی بوده‌اند و با کار و تلاش و تولید خود توانسته‌اند وضعیت اقتصادی بهتری برای خود و کشورشان ایجاد کنند حسرت می‌خورند و تأسفانگیز آنکه بسیاری از این افراد به جای آرزو برای اینکه این توهم (توهم منابع) برطرف شود، آرزوی پایان ذخائر و منابع را می‌کنند، به این امید که در آن روز مردم چاره‌ای جز اتکاء به خود نداشته باشند و راه نجات مردم از مصرف‌زدگی و زیاده‌خواهی‌ها را در ناامیدی از منابع و ذخائر می‌دانند. چرا ما باید اینگونه به بیراهه برویم. چرا نباید کار و تلاش و به تعبیری فرهنگ کار، بزرگترین سرمایه‌ها باشد و از منابع موجود زیرزمینی نه برای گذران زندگی روزمره، بلکه در کنار کار و تلاش در راستای توسعه هرچه بیشتر اقتصادی کشور و استقلال واقعی اقتصادی مردمان استفاده جوئیم.

مقام معظم رهبری در فرمایش‌هایشان در سال جدید، اقتصاد غیر وابسته به درآمد نفتی را به عنوان یک هدف مهم مطرح فرمودند. در سال‌های قبل نیز معظم له (قریب به مضمون) فرموده بودند که چرا ما نباید بتوانیم در چاه‌های نفت را ببندیم و از صدور آن پرهیز کرده و زندگی خود را از طریق دیگر بگذرانیم.

معظم له، عدم وابستگی اقتصاد کشور به درآمد نفت را مطرح فرمودند، نه اینکه به گونه‌ای عمل شود که نفتمان تمام شود. نفت ابزار قدرت در روابط بین‌الملل است و ما باید این قدرت را برای انقلاب و ملتمان حفظ کنیم.

متأسفانه سیاست‌های جاری کشور که با تعلق حدود ۱۱ میلیارد دلار به عنوان یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا، قیمت فرآورده‌های نفتی و قیمت انرژی را به سطحی که باید آن را کمتر از مجانی نامید رسانده است، موجب اسراف بی‌رویه در مصرف این ثروت خداداد شده است؛ به نحوی که مردم ما مصرفی برابر مصرف هند و چین با حدود یک میلیارد نفر جمعیت دارند.

کار و تلاش عموم مردم و خستگی‌ناپذیری و همبستگی و همیاری آنان مهمترین و بهترین عامل رفع فقر است.

متأسفانه عده‌ای پیشنهاد می‌دهند که از سرعت توسعه بکاهیم و از ساختن چند سد، راه‌آهن، بندر، مدرسه و دانشگاه صرف‌نظر کنیم و با بودجه آن در مهار فقر بکوشیم. چنین پیشنهادهایی برای کشوری که دوسوم آب آن از کشور خارج می‌شود و عمده آن به دریا می‌ریزد، يك فاجعه است. چنین پیشنهادهایی برای کشوری که ذخائر نفت آن و درآمدهای حاصله از فروش بخشی از ذخائر به سرعت روبه پایان است، يك مصیبت می‌باشد، بویژه آنکه یارانه هرروز مواد سوختی و انرژی‌زا برابر هزینه ساخت يك سد بزرگ است.

چنانچه یارانه مواد سوختی را حذف کنیم، نه تنها می‌توانیم فقر را محو کنیم، بلکه خواهیم توانست توسعه را سرعت و گسترش بخشیم. متأسفانه بیش از ۷۵ درصد یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا نصیب اقشار ثروتمند و مرفه جامعه می‌گردد.

بهترین و عمده‌ترین راه برای محو فقر ایجاد اشتغال سازنده و مفید می‌باشد. اقداماتی نظیر مهار آب‌هایی که هرز می‌رود و از کشور خارج می‌گردد. ساخت سد و به زیر کشت آبی بردن زمین‌های خشک و بیابانی، توسعه شیلات و پرورش ماهی و میگو بویژه در سواحل جنوبی کشور در خلیج فارس، توسعه دامپروری در سایه توسعه کشاورزی، ساخت پالایشگاه‌ها و کارخانه‌های پتروشیمی و ذوب آهن و صدها و هزاران کارخانه تولیدی، بهترین اقدام در زمینه اشتغال مفید و محو فقر است.

نکته قابل توجهی که باید ان‌شاء... در گردهمایی بررسی مسأله فقر و فقرزدایی و همچنین توسط مردم و رسانه‌های گروهی مورد توجه قرار گیرد، این است که محو فقر يك وظیفه عمومی است که تك‌تك مردم باید در آن مشارکت جویند و منحصر به دولت و بودجه عمومی نمی‌باشد و يك بسیج ملی را می‌طلبد.

هر قدمی که در جهت تولید بیشتر برداشته می‌شود، قدمی در جهت محو فقر است، هر قدمی که در جهت توسعه اقتصادی و عمران و آبادانی کشور برداشته می‌شود و هر قدمی که برای جلوگیری از اسراف و پرهیز از مصرف بی‌رویه به جلو گذاشته شود، قدمی در جهت محو فقر محسوب می‌گردد.



متأسفانه بیشتر پیشنهادهایی که برای محور فقر ارائه می‌گردد در زمینه هزینه کردن درآمدهای حاصله از صادرات مواد نفتی در جهت تأمین رفاه زودگذر و سست پایه می‌باشد، گویی که این مواد فسیلی دائمی و همیشگی است؟! اگر به جمعیت ۸۰-۹۰ میلیونی کشور در زمان پایان نفت فکر کنیم و منافع ملت را مدنظر قرار دهیم در خواهیم یافت که باید به ایرانی که بتواند بدون اتکاء به درآمد نفتی زندگی خود را اداره کند، فکر کنیم. بررسی محور فقر نیز باید در چارچوب اقتصاد مستقل از درآمد نفتی و یا در نظر گرفتن افق آینده مورد بررسی قرار گیرد.

## احساس کاذب فقر

بین فقیر بودن و احساس فقر کردن تفاوت زیادی وجود دارد. هستند کسانی که متنعمند ولی احساس فقر می‌کنند و کسانی نیز هستند که از نعمت‌های کمی برخوردارند ولی احساس فقیر بودن می‌کنند.

بخشی از این تفاوت در احساس، ریشه در سطح توقعات دارد. اخیراً با یکی از دوستان پیرامون مسأله فقر صحبت می‌کردم. او به گستردگی فقر اشاره می‌کرد و خود را مثال می‌زد و می‌گفت که او خود نیز در حال حاضر از اقشار فقیر است، حال آنکه ده سال قبل احساس فقر نمی‌کرده است. از او خواستم مصادیق فقیر بودن خود را بیان کند. گفت: بیش از یک سال است که خود و خانواده‌اش موز و کیوی نخورده‌اند!

نمونه‌های دیگر این گونه احساس فقر نیز وجود دارد:

شخصی طی جلسه‌ای اظهار داشته بود که او هنوز خاویار نخورده است. دیگری از اینکه نمی‌تواند برای خانواده‌اش ماهی سفید بخرد، ناراحت بود و آن دیگری با تأکید به علاقه‌اش به خوراک میگو، از اینکه نمی‌تواند به طور مرتب میگو خریداری کند، می‌نالید.

از دوست فوق‌الذکر پرسیدم: آیا ده سال قبل کیوی می‌خورد؟!

گفت: نه. در این جا این سؤال پیش می‌آید که چرا او نخوردن کیوی را مساوی فقر می‌داند؟!

چندی قبل در افتتاح یک کارخانه با انواع میوه‌ها از جمله موز وارداتی از میهمانان پذیرایی می‌کردند. اغلب میهمانان موز را از بین میوه‌ها انتخاب می‌نمودند. تأسف خوردم از اینکه با این همه میوه‌های متنوع باید ارز کشور برای مصرف موز صرف شود. آقای نعمت‌زاده وزیر صنایع را دیدم. او موز برنداشت. توجهم به این کار او جلب شد. از ایشان پرسیدم چرا موز برنداشتید! گفت: من میوه وارداتی ارزبر مصرف نمی‌کنم. مگر میوه‌های خودمان چه عیبی دارد. تأکید کرد که ارز کشور باید در جای بهتری هزینه شود.

متأسفانه باید اذعان داشت که یکی از بزرگترین مشکلاتی که کشور با آن مواجه

است، رشد روزافزون توقعات برخي از مردم است و تأسف بارتري اينكه از نظر بسياري از ايشان، اين توقعات را نيز دولت بايد برآورده سازد.

برخي انتظار دارند كه كيوي، خاويار و ميگو در داخل مصرف شود و به قيمت ارزان «آن هم با يارانه دولتي» سهل الوصول شود. برخي هم انتظار دارند كه ارز حاصل از نفت به واردات موز و انبه و امثال آن اختصاص مي يابد.

چنين انتظاري به معني کاهش درآمد ارزي حاصل از صدور محصولات غيرنفتي از يك طرف و افزايش هزينه هاي ارزي كشور از طرف ديگر مي باشد، به عبارت ديگر يعني کاهش درآمد ارزي و همزمان افزايش هزينه هاي ارزي. در حالي كه هرگونه افزايش هزينه، مستلزم افزايش درآمد است و اين قاعده كلي و ساده در بسياري از پيشنهادهايي كه در سطح كشور مطرح مي گردد، رعايت نمي شود؛ به نحوي كه در اينگونه راه حل ها، افزايش هزينه دولت و کاهش درآمد آن توأمأ پيشنهاده مي شود.

در جهان، كساني كه خوراك خاويار، ميگو و ماهي سفيد مصرف مي كنند، جزو اقشار خيلي ثروتمند محسوب مي شوند و كساني كه امكان مصرف اين محصولات را ندارند، فقير نيستند و احساس فقر نيز نمي كنند.

براي اينكه خوانندگان محترم احساس خويش را بيازمايند، ذيلأ شرايطي در مورد يك جامعه فرضي ذكر مي گردد تا بدین وسيله احساس و برداشت خود را در مورد چنين جامعه اي محك بزنند.

در اين جامعه فرضي ميوه گيلاس در بسته هايي ۵ عددي يا در بسته هاي صد گرمي عرضه مي گردد. هر نفر ممكن است در طول سال يك يا چند قاچ هندوانه مصرف كند و اصولأ هندوانه بصورت قاچ شده و محدود خريد و فروش مي شود. در فروشگاه ها قيمت هر خيار به طور جداگانه بر روي آن نصب شده است و خريداران يك يا دو عدد خيار براي مصرف خريداري مي كنند. مردم اين جامعه اغلب فقط هفته اي يك بار غذاي گرم مي خورند.

مردم در مصرف برق صرفه جويي زيادي مي كنند؛ زيرا قادر به پرداخت هزينه گزاف برق نيستند. به همين دليل چراغ هاي اضافي را خاموش مي كنند؛ مثلاً به هنگام مطالعه، فقط چراغ هاي مطالعه رومي زي روشن نگاه داشته مي شود و بقيه اتاق در

تاریکی می‌ماند. حقوق روزانه یک نفر معادل ۲۰ کیلو نان یا ۵۰ لیتر گازوئیل است. متوسط سطح مسکن مردم ۶۰ متر است. بسیاری از مردم از جمله دانشجویان برای رفت و آمد خود از اتوبوس و دوچرخه استفاده می‌کنند.

در این جامعه فرضی اگر مرد و زن هر دو کار نکنند، در تأمین مخارج خویش دچار مشکل می‌شوند. حتی در صورتی که زن و شوهر کار کنند، نگران تأمین هزینه زندگی فرزند خود می‌باشند و به همین دلیل مردم این سرزمین از داشتن فرزند بیشتر پرهیز می‌کنند. به نحوی که از نظر جمعیتی رشد منفی دارند و هر سال از تعدادشان کاسته می‌شود.

فرزندان در بسیاری از موارد به محض رسیدن به سن قانونی به امرار معاش می‌پردازند؛ چرا که در غیر این صورت زندگی خانواده را دچار معضل می‌سازند. مردم این سرزمین فرضی روزی ۷ ساعت کار مفید دارند و مردم آن در کار، بسیار جدي هستند.

دانشجویان در مقاطع عالی تحصیلی ناچارند، برای گذراندن زندگی و تأمین مخارج آن به خدمتکاری در خانه ثروتمندها یا رستوران‌ها بپردازند.

این مردم حدود ۲۰٪ تولیدات خود را به صورت مالیات به دولت می‌دهند و از این طریق تمامی مخارج دولت را تأمین می‌کنند.

چنین مردمی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟! اگر روزی شرایط ایران با شرایط فوق تطبیق یابد چه ارزیابی‌ای خواهید داشت؟! بسیاری خواهند گفت که این اوج فقر و بدبختی است. شرایط فوق یک شرایط فرضی نیست. شرایط فوق وضع زندگی متعارف مردم در کشورهای اروپایی از جمله آلمان، انگلستان، فرانسه و ایتالیا است.

لیکن مردم ما مردم این کشورها را فقیر محسوب نمی‌کنند و در حقیقت فقیر نیز نیستند. آلمانی‌ها سالانه ۱۵۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص ملی دارند. آن را با حدود ۱۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص ملی سالانه در ایران مقایسه کنید. آلمانی‌ها سالانه حدود ۵۰۰ میلیارد دلار صادرات دارند. آن را با حدود ۲۰ میلیارد دلار صادرات ایران مقایسه نمایید. آلمانی‌ها سالانه ۲۵۰ میلیارد دلار به دولت خود مالیات می‌دهند. آن را در مقایسه با حدود ۱/۵ میلیارد دلار مالیات مردم ایران به دولت در نظر بگیرید. آلمانی‌ها

جزو ملت‌هایی هستند که بیشترین ساعات کار مفید را دارند. آن را با ساعت کار مفید در ایران مقایسه کنید. آلمانی‌ها در مصرف سوخت و انرژی و نان اسراف نمی‌کنند. آن را با اسراف‌های مردم ایران در مصرف انرژی و نان مقایسه نمایید.

آلمان ثروتمندترین کشور اروپا است و از وضعیتی که شرح داده شد، برخوردار است. آلمانی‌ها خود را فقیر نمی‌دانند و فقیر هم نیستند. ما نیز فقیر نیستیم و روز به روز وضعمان بهتر از گذشته شده؛ لیکن به موازات آن احساس فقر (و نه خود فقر) افزایش یافته است. این طرز تلقی ریشه فرهنگی دارد و آن اینکه توقعات، بسیار سریعتر از امکانات رشد می‌یابد و این در حالی است که افزایش مصرف، بسیار بیشتر از افزایش تولید است و متأسفانه دوست و دشمن، آگاهانه یا ناآگاهانه به این توقعات دامن می‌زنند. در گذشته زوج‌های جوان از اینکه در يك اتاق زندگی کنند، احساس فقر نمی‌کردند و امروز زوج‌های جوان، آپارتمان ۵۰ متری را موجب تنگی نفس می‌دانند. در گذشته می‌گفتند مرغ برای مریض است و امروز اگر روزی مرغ یا گوشت قرمز در غذایشان نباشد، احساس کمبود می‌کنند.

در گذشته والدین ما می‌دانستند که اگر بخواهند صاحب خانه شوند باید سالیان سال کار و تلاش نمایند و امروز جوانان ما هنوز استخدامشان قطعی نشده از دولت طلب زمین و مصالح و وام و تجهیزات و ... می‌کنند.

در گذشته همه بستگان دور و نزدیک، يك زوج جوان را در تأمین هزینه‌های ازدواج و شکل‌گیری يك زندگی مستقل یاری می‌رساندند و امروز بسیاری دولت را مسئول تأمین تمامی زمینه‌ها و تسهیلات لازم برای ازدواج جوانان می‌دانند.

دیروز گندم و نان حرمت داشت و خرده‌های آن را از زمین جمع می‌کردند و امروز نان به ارزان‌ترین خوراک دام تبدیل شده است. دیروز باقیمانده نان سفره مصرف غذاهای مخصوص مثل آب گوشت، آن دوغ خیار و اشکنه می‌شد و امروز کیسه‌های نان خشک به دور انداخته می‌شود.

دیروز احساس فقر نمی‌کردیم و امروز علی‌رغم این همه امکانات و تسهیلات و نعم‌الهی بسیاری به ناحق احساس فقر می‌کنند، دچار فقرند، اما نوعی فقر فرهنگی. امروز همه میوه‌های هر فصل را در تمامی طول سال می‌خواهند و اگر در غیر فصل

میوه‌ای قیمتش زیاد شد و نتوانستند آن را به مقدار مورد درخواست تهیه کنند، احساس تنگدستی به آنان دست می‌دهد، حال آنکه دیروز اصولاً مصرف میوه‌های غیر فصلی یا ممکن نبود یا فقط در دسترس اشراف بود.

دیروز کیوی نداشتیم و کسی به خاطر نداشتن کیوی احساس فقر و محرومیت نمی‌کرد، امروز برخی نخوردن کیوی را مصداق فقیر بودن می‌دانند.

جامعه ما نیاز به تجدید نظر در دیدگاه‌های مصرف‌گرایانه و تعدیل توقعات دارد. جامعه ما نیاز به اتکاء روز افزون بر حاصل کار و تلاش و تولید خود دارد. مطبوعات و رسانه‌های گروهی می‌توانند در تحقق این مهم نقشی اساسی داشته باشند، لیکن متأسفانه باید اعتراف کرد که اغلب رسانه‌ها به احساس کاذب فقر و افزایش توقعات دامن می‌زنند.

بایست اوضاع را دریابیم و در مبارزه خویش برای محو فقر، هم فقر اقتصادی و هم احساس کاذب فقر و توقعات روزافزون را هدف قرار دهیم؛ چرا که رشد توقعات و احساس کاذب فقر مانعی بزرگ در راه تحقق محو فقر است.

ادامه دارد

## مالیات بر مصرف

در اندازه‌گیری توان اقتصادی هر کشور واردات و مصرف را در یک کفه ترازو قرار داده و در کفه دیگر تولید و صادرات را قرار می‌دهند. هرچه تفاوت بین این دو کفه به نفع تولید و صادرات بیشتر باشد، کشور مورد بررسی از فریت‌های اقتصادی بیشتری برخوردار محسوب می‌گردد. به همین لحاظ نیز کشورهای مختلف برای پیمودن راه توسعه و پیشرفت و کسب اعتبار و اقتدارند تمهیداتی را می‌اندیشند که بر اثر آن کفه واردات و مصرف سبک‌تر و کفه تولید و صادرات سنگین‌تر باشد.

برای تحقق این مهم از یک طرف با تعیین مالیات قابل توجه بر مواد مصرف میزان مصرف را کنترل کرده محدود می‌سازند و با تعیین تعرفه‌های بالا واردات را به نفع تولیدات داخلی محدود می‌کنند و از طرف دیگر تسهیلات ویژه برای تولیدکنندگان قائل می‌گردند.

به عبارتی دیگر با اتخاذ سیاست «مالیات بر مصرف» از یک طرف و در صورت لزوم اختصاص «یارانه برای تولید محصولات صادراتی» از سوی دیگر درصدد کسب اعتبار و اقتدار و رشد اقتصادی کشور خود برمی‌آیند.

جالب آنکه منابع مالی تأمین یارانه‌ها از محل مالیات بر مواد مصرف تأمین می‌گردد. به طور مثال، بسیاری از کشورها با تعیین مالیات برای بنزین، برق، تلفن، پرواز، تاکسی، قطار، عبور از جاده‌ها و امثالهم درآمد دولت را تأمین می‌کنند. برخی کشورها بابت هر لیتر بنزین حدود نیم دلار و گاه بیشتر مالیات اخذ می‌کنند.

چنین روالی موجب می‌گردد که هر کس بر خوردارتر است و مصرف بیشتری دارد، مالیات بیشتری بپردازد. دولتها هزینه‌های تأمین اجتماعی و رسیدگی به فقر و مستمندان و بیکاران و سالمندان و ... را از همین محل پرداخت می‌کنند و البته دولتهای جورری با همین وجوه جنگ افروزی نیز می‌کنند، لیکن این بحث از موضوع این نقد خارج است.

خلاصه آنکه با اختصاص مالیات بر مصرف ضرب‌المثل هر که با مش بیش بر فش بیشتر تحقق می‌یابد. متأسفانه دول صنعتی و استعمارگر که درصدد جلوگیری از پیشرفت کشورهای ثروتمند جهان سومی و به ویژه کشورهای اسلامی بوده‌اند روشی

خلاف روش جاری در کشور خویش را پیشنهاد و اعمال نموده‌اند و آن مانع تراشی در تولید و یارانه برای مصرف بوده است.

متأسفانه کشور ما چنین روشی را از رژیم گذشته به ارث برد و عده‌ای نیز بدون اطلاع از عواقب کار و ناآگاهی و عده‌ای نیز مغرضانه و آگاهانه به این امر دامن زدند و امروز، شاهد به هدر رفتن منابع عظیم کشور به صورت یارانه بر مصرف هستیم.

نمونه بارز این اتلاف سرمایه یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا است که سالانه حدود ۱۱ میلیارد دلار و به عبارت دیگر روزانه بیش از ۳۰ میلیون دلار می‌باشد.

اگر نفت خام را بشکهای ۱۶ دلار فرض کنیم البته امروز قیمت آن بسیار بیشتر است قیمت هر لیتر نفت خام بیش از ۱۰ سنت یعنی بیش از ۳۰ تومان و قیمت فرآورده‌های نفتی گازوئیل، نفت سفید و بنزین حدود ۲۰ سنت یعنی ۶۰ تومان در لیتر می‌باشد. این مبلغی است که دولت می‌تواند بابت فروش آن به خارج به بیت المال بیفزاید و در طول سالهای گذشته برای خرید آن از خارج این مبلغ را پرداخته است، در حالی که نفت سفید و گازوئیل را در سال گذشته از قرار لیتری ۲ تومان یا بشکهای حدود یک دلار و در سال جاری از قرار لیتری ۳ تومان یا بشکهای حدود یک و نیم دلار آنهم پس از تقبل هزینه حمل و نقل و توزیع به فروش رسانده است. تعلق گرفتن یارانه به صورت فوق عوارض بسیار منفی‌ای داشته است که یکی از عوارض آن اسراف فوق العاده در مصرف این مواد بوده به نحوی که ایران به اندازه چین و هند با جمعیتی حدود یک میلیارد نفر مواد سوختی و انرژی‌زا مصرف نموده و در حقیقت اکثر آن را تلف می‌کند.

یارانه هر روز مواد سوختی و انرژی‌زا برابر هزینه ساخت یک سد بزرگ است. در این سیستم هر کس برخوردارتر، ثروتمندتر و پر مصرف‌تر است، یارانه بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد و به عبارت دیگر هر کس بامش بیش سهمش بیشتر است و این ظلمی بزرگ و بی‌عدالتی نسنجیده است که موجب گردیده عملاً بیش از ۷۵ درصد یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا به اقلشار ثروتمند تعلق گیرد.

متأسفانه بسیاری از افراد بدون توجه به این مهم یا سیاست دولت در کاهش یارانه مواد سوختی و اختصاص این ثروت عمومی در جای بهتر مخالفت کردند و شاهد بودیم که حتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی برخی از کاندیداها (از نمایندگان دوره



چهارم) مخالفت خود با کاهش یارانه مواد سوختی را برای تبلیغ خود گرد آوری رأی بیشتر مطرح می‌ساختند.

کاهش و بلکه حذف یارانه مواد سوختی و انرژی‌زاد و برخی دیگر از یارانه‌ها، نظیر یارانه پرواز با هواپیما و بلکه تعیین مالیات برای مصرف این نوع مواد و اخذ مالیات برای اینگونه خدمات و مصرف آن در محو فقر و محرومیت زدایی و ایجاد اشتغال و عمران و آبادانی کشور يك راه حل اساسی و حیاتی است که برای تحقق آن ابتدا باید ابعاد آن را درك کرده و این امر با حمایت همه به ویژه مجلس شورای اسلامی- روحانیت معظم، رسانه‌های گروهی میسر خواهد بود مقدمه لازم آن آگاه نمودن عمومی مردم از مزایای مقطعی و درازمدت آن به نفع مردم و اقتصاد کشور می‌باشد.

خلاصه اینکه با اتخاذ تدابیر اساسی باید ایران را از کشوری مصرفی بودن نجات دهیم و دولت را در تحقق این هدف مهم یاری رسانیم.

اظهارات سفیر انگلستان در باره شاهی ایران که در سال ۱۳۵۲ شمسی و در جمع سرمایه داران انگلیسی و به صورت محرومان بیان شده است نگاه استعمار به ایران و وضعیتی را که برای ایران از نظر آنان مطلوب است روشن می‌سازد.

آنتونی پارسونز سفیر انگلیس این اظهارات را بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در کتاب خاطرات خود تحت عنوان «غرور سقوط» به چاپ رسانده که در ایران نیز منتشر شده است. متن اظهارات او را به شرح ذیل بخوانیم و درباره آن اندیشه کنیم و به فکر چاره‌ای باشیم. او در جمع سرمایه داران و تجار انگلیس گفته بود:

... اولین کاری که اینجا می‌کنید این است که تا می‌توانید کالاهایتان را بفروشید و فقط در صورتی سرمایه گذاری کنید که برای فروش کالایتان چاره‌ای جز این کار نداشته باشید. اما اگر مجبور باشید در اینجا سرمایه گذاری کنید به میزان حداقل ممکن سرمایه گذاری نمائید و صنایعی مونتاژ که در واقع سوار کردن قطعات صادراتی انگلیس در ایران است. در این محدوده و با توجه به این نکات من معتقدم که ایران یکی از بهترین بازارهایی است که شما می‌توانید برای مصرف کالاهای خود در جهان سوم پیدا کنید.

## مقاله انتقادي واصله

از خوانندگان محترم سلسله مقالات نقدي بر محو فقر درخواست کرده بوديم که نظارت خود را در اين رابطه ارسال دارند. آقاي حميدرضا رئوفي از تهران مطلبي را ارسال کرده‌اند که عیناً در اين شماره درج مي‌کنيم و پاسخ آن در چهار قسمت تنظيم شده است که طی شماره‌هاي بعدي به چاپ خواهد رسيد. توجه خوانندگان عزيز را به نامه وارده و پاسخهاي آن که در شماره‌هاي بعدي چاپ خواهد شد، جلب مي‌نماييم.

محمد حسن قديري ابيانه

## در حاشیه حذف یارانه مواد سوختی

در روزنامه اطلاعات (مورخه ۱۳۷۴/۱۲/۶)، آقای مهندس محمد حسن قدیری ابیانه در مقاله‌ای با عنوان یارانه مواد نفتی، یک و نیم برابر کل بودجه عمرانی، آمده است: با توجه به قیمت صادراتی هر بشکه نفت سفید، گازوئیل و بنزین و هزینه حمل و نقل و توزیع، بابت هر لیتر گازوئیل و نفت سفید ۶۰ تومان و بابت هر لیتر بنزین ۵۰ تومان از بیت‌المال مسلمانان یارانه تعلق می‌گیرد و نتیجه‌گیری کرده‌اند که دولت سالانه حدود ۱۱ میلیارد دلار معادل ۳۳۰۰ میلیارد تومان بابت مواد سوختی و انرژی‌زا یارانه می‌دهد که این مبلغ ۱/۵ برابر بودجه عمرانی سال ۷۵ است. وی همچنین گفته است آیا عدلانه است که صاحب ماشین پاترول بابت بنزین ماشین خود ماهانه ۴۰ هزار تومان از بیت‌المال یارانه بگیرد و دولت نتواند به دلیل پرداخت یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا حقوق کارمندان خود را ترمیم کند؟ سپس نتیجه‌گیری کرده‌اند که دولت حق دارد خواستار تغییر وضعیت موجود باشد.

باید توجه داشت توزیع کالاها و گردش چرخ کارخانجات و کارگاهها و حتی گرم کردن منازل اعم از فقیر و غنی توسط مواد سوختی و انرژی‌زا صورت می‌گیرد و قیمت سوخت در هر کشورهای جهان از عواملی تعیین کننده اصلی ثبات و سطح قیمت‌ها محسوب می‌گردد. بنابراین زمانی که صحبت از محدودیت درآمد کارمندان و معلمان و سایر حقوق بگیران به میان می‌آید، بهتر است مسئله را نه در محدوده تنها قیمت سوخت بلکه در مجموعه کل اقتصاد کشور همراه با بازتابهایی که بر سطح عمومی قیمت‌ها خواهد داشت، مورد بررسی قرار دهیم. در ابتدا بهتر است از حافظه خود مدد جوئیم و نتایج بالا رفتن قیمت سوخت در ابتدای سال جاری را بیاد آوریم.

افزایش قیمت بنزین در سال جاری موجی از افزایش لجام گسیخته قیمت‌ها را ایجاد کرد. در ابتدا نرخ حمل و نقل داخل شهری تا صد درصد افزایش یافت و نرخ حمل کالا و مسافری شهر و افزایش سریع سایر قیمت‌ها به شکل ناراحت کننده‌ای ظهور کرد. افزایش قیمت برنج و سایر اقلام مورد نیاز عمومی که به هزینه حمل و نقل بستگی دارد، درحالی صورت گرفت که دستمزد حقوق بگیران متناسب با این افزایش قیمت‌ها

ترمیم نشد، بنابراین قدرت کالا و خدمات خود، توانایی تطابق خود را با نواسانات، قیمت‌ها تا حدودی حفظ کردند، حقوق بگیران بیشترین لطامات اقتصادی را متحمل شدند. مسئله سوخت در کشور پهناور وسیع ایران که سیستم توزیع داخلی اتکالی زیادی به مصرف سوخت دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است. قیمت محصولات عرضه شده کشاورزی و تولیدات صنعتی و کالاهای وارداتی از مبداء زمین‌های کشاورزی، کارخانجات و یا بنادر، بستگی به هزینه حمل دارد و توسط کامیون‌هایی که مصرف‌کننده گازوئیل و وانت‌هایی که مصرف‌کننده بنزین هستند، صورت می‌گیرد. بنابراین، بهتر است از اندیشه پاترول‌های مرفه‌مین و استخر آب گرم و حمام سونا‌های اختصاصی خارج شویم و به کل اقتصاد و آثار و عواقبی که افزایش قیمت سوخت در کل اقتصاد خواهد داشت، بیاندیشیم و عواقب آن را در افزایش سطح قیمت‌ها و موج گرانی که پی‌آمده آن خواهد بود در نظر بگیریم. آنگاه ببینیم آیا برنامه‌ای متناسب با این افزایش قیمت احتمالی برای ترمیم دستمزد حقوق بگیران و مهار تورم در نظر گرفته شده است یا خیر؟

در کشورهای وسیع نظیر ایران که نیاز بیشتری به مصرف سوخت برای حمل و نقل کالا و مسافر دارند، نمی‌توان تأثیر افزایش هزینه حمل و نقل کالا و مسافر را دست کم گرفت زیرا یکی از شاخص‌های سطح قیمت‌ها و هزینه زندگی به حساب می‌آید. این سؤال وجود دارد حال که قیمت سوخت داخل کشور بر اساس قیمت‌های جهانی در معاملات بین‌المللی مطرح می‌شود و یارانه‌ای که دولت بر این اساس می‌دهد، محاسبه می‌گردد، چرا از دستمزدها در کشورهای با سیستم آزاد سرمایه‌داری که یارانه را از بین برده‌اند، نامی برده نمی‌شود.

امید است طرح نقطه نظرات مختلف برای حذف یارانه مواد سوختی، مقدمه‌ای بر ترمیم نگرانی قیمت سوخت در سال آینده نگردد. در صورت وجود قصد ترمیم قیمت سوخت، حتماً می‌بایست برای مقابله با موج گرانی و تورمی که پی‌آمد آن خواهد بود، برنامه مشخصی ارائه و اعلام گردد تا این موج، دامنگیر حقوق بگیران و افراد با درآمد کم نشده و قدرت خرید آنها را کاهش ندهد.

**حمیدرضا رئوفی- تهران**

## علت‌ها و معلول‌ها

در شماره قبل مقاله وارده از آقای حمیدرضا رئوفی تحت عنوان در حاشیه حذف یارانه سوخت درجه کردیم و اینک قمست اول پاسخ آن:

با توجه به قیمت صادراتی هر بشکه نفت سفید، گازوئیل و بنزین و هزینه حمل و نقل و توزیع، بابت هر لیتر گازوئیل و نفت سفید ۶۰ تومان و بابت هر لیتر بنزین ۵۰ تومان از بیت‌المال مسلمانان یارانه تعلق می‌گیرد و نتیجه گیری کرده‌اند: دولت سالانه حدود ۱۱ میلیارد دلار معادل ۳۳۰۰ میلیارد تومان بابت مواد سوختی و انرژی‌زا یارانه می‌دهد که این مبلغ ۱/۵ برابر بودجه عمرانی سال ۷۵ است و گفته‌اند آیا عادلانه است صاحب ماشین پاترول بابت بنزین ماشین خود ماهانه ۴۰ هزار تومان‌زا بیت‌المال یارانه گیرد و دولت نتواند به دلیل پرداخت یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا حقوق کارمندان خود را ترمیم کند و نتیجه گیری کرده‌اند دولت حق دارد خواستار تغییر وضعیت موجود باشد.

نویسنده مقاله در حاشیه... سپس تاکید کرده‌اند که باید توجه داشت که توزیع کالاها و گردش چرخ کارخانجات و کارگاهها و حتی گرم کردن منازل اعم از فقیر و غنی توسط مواد سوختی و انرژی‌زا صورت می‌گیرد و قیمت سوخت در همه کشورهای جهان را عوامل تعیین کننده اصلی ثبات و سطح قیمت‌ها محسوب می‌گردد.

بنابراین زمانی که صحبت از محدودیت درآمد کارمندان و معلمان و سایر حقوق بگیران پیش می‌آید، بهتر است مساله را نه در محدوده تنها قیمت سوخت بلکه در مجموعه کل اقتصاد کشور همراه با بازتابهایی که بر سطح عمومی قیمت‌ها خواهد داشت، مورد بررسی قرار دهیم.

قبل از پاسخ به مطلب فوق لازم است ابتدا اشاره شود که مقاله «نقدی بر محو فقر» مقاله‌ای دنباله دار است و تا تاریخ ۱۳۷۴/۱۲/۲۱ دره شمار آن به چاپ رسیده و چاپ مابقی آن کماکان ادامه دارد.

اما در پاسخ باید گفت که: طبیعی است که افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی بر سایر کالاها و خدمات تاثیر می‌گذارد و دولت هر بار در کنار اصلاح قیمت سوخت، حقوق را

نیز افزایش می‌دهد. این نیز خود در افزایش هزینه تمام شده کالاهای تولیدی، همانند افزایش قیمت سوخت موثر است.

به توصیه برادر عزیزمان موضوع یارانه‌ها را در مجموعه کل اقتصاد کشور مقایسه می‌کنیم.

کشورهایی هستند که قیمت اجناس در آنجا بسیار بیشتر از قیمت‌های ایران است، لیکن وضع اقتصادی و رفاهی مردم آن ظاهراً بهتر از کشور ما می‌باشد.

علت اصلی این امر حقوق بالای آنان نیست، زیرا که حقوق بالا خود، معلول است و علت چیزی دیگری است.

هیچ فکر کرده‌اید که چرا حقوقها حتی در بین خود کشورهای اروپایی متفاوت است؟! دلیل اصلی آن تفاوت در تولید ناخالص ملی و داخلی آنان است. یعنی تولید ناخالص داخلی و ملی، با توجه به جمعیت کشور، تعیین کننده میزان حقوقها است. کشوری که تولید ناخالص کمتری دارد، حقوق اتباعش هم کمتر است. تولید ناخالص داخلی نیز عمدتاً نتیجه کار و تلاش آحاد مردم است.

بنابراین مقایسه حقوق و امکانات مردم یک کشور با حقوق و امکانات مردم کشور دیگر بدون توجه به تولیدات آن کار صحیحی نیست. مقایسه هزینه‌ها نیز بدون توجه به ملاحظات فوق امر صحیحی نمی‌باشد و بدین جهت نیز اینجانب در مقاله خود قیمت فرآورده‌های نفتی در سایر کشورها را ملاک قرار نداده‌ام، بلکه ارزش واقعی این محصولات برای ایران و تفاوت آن که از بودجه عمومی کشور کاسته می‌گردد، ملاک قرار گرفته است.

به همین دلیل نیز در مقالات پیشین تاکید شده است که هر بشکه نفت خام ایران که چند دلاری هزینه استخراج آن می‌شود، به طور متوسط از قرار بشکه‌ای ۱۶ دلار یعنی لیتری ۱۰ سنت معدل ۳۰ تومان صادر می‌گردد. از طرفی همین نفت خام پس از پالایش در پالایشگاه‌های گرانقیمت به فرآورده‌هایی نظیر گازوئیل تبدیل می‌شود و در حالی که هر لیتر ۲۰ سنت یعنی ۶۰ تومان قابل صدور است، لیتری ۲ تومان (بشکه‌ای یک دلار در داخل کشور به فروش می‌رسد، یعنی حتی هزینه حمل و نقل و توزیع آن نیز دریافت نمی‌گردد. نتیجه طبیعی چنین اقدامی، اسراف فوق‌العاده و بیش از حد مواد

سوختی است. برای روشن شدن موضوع به هزینه گرم کردن منازل که در پاسخ به مقاله اینجانب مورد تاکید قرار گرفته، اشاره می‌گردد.

در کشورهای اروپایی من جمله ایتالیا، مردم علاوه بر پرداخت قیمت کامل سوخت، مقدار زیادی نیز مالیات بر مصرف این مواد می‌پردازند. دولت فرانسه سالانه حدود ۴۰ میلیارد دلار از محل مالیات بر مصرف فرآورده‌های نفتی درآمد دارد. در ایتالیا هر لیتر نفت سفید، گازوئیل و بنزین حدود بیش از یک دلار است که سه چهارم آن را مالیات تشکیل می‌دهد.

بنابراین مردم ایتالیا و سایر کشورهای اروپایی از روش‌هایی غیر از مصرف سوخت درصدد حفظ منزل خویش از گرمای تابستان و سرمای زمستان هستند. پنجره‌های منازل به همین دلیل ابعاد محدودی دارند و دیوارها نیز عایق هستند. روی پنجره‌ها با کرکره‌های چوبی (یا از جنس عایق نسبت به سرما و گرما) قرار می‌گیرند که جلوی ورود سرما در زمستان و گرما در تابستان را می‌گیرد. جالب است بدانیم که در زبان ایتالیایی به این پنجره‌ها پرسینا *Persiana* یعنی پارسی (ایرانی) گفته می‌شود و علت آن نیز است که آنها این پنجره‌ها را از ایران اقتباس کرده‌اند، حال آنکه امروزه در کشورمان به دلیل قیمت ناچیز مواد سوختی این پنجره‌ها از رونق افتاده‌اند. اگر به خانه‌های قدیمی تهران بنگریم، نمونه آن پنجره‌ها را خواهیم دید.

در مقاله ایتالیا، خانواده‌های متوسط دیروز، فقیران امروز به نقل از موسسه مطالعات سیاسی اختصاصی و اقتصادی اروپا آمده است که: در حال حاضر حد متوسط اعضای یک خانواده ایتالیایی ۲/۶ نفر و میانگین مخارج ماهانه همان ۱۳۷۰ دلار باشد، با توجه به قیمت نفت سفید و گازوئیل که از قرار هر لیتر حدود یک دلار و بیست سنت است، حقوق هر خانواده ایتالیایی ماهانه برابر هزینه ۱۱۴۰ لیتر گازوئیل یا بنزین می‌شود. قیمت عرضه ۱۱۴۰ لیتر گازوئیل در ایران ۳۴۲۰ تومان و بنزین ۱۴۸۲۰ تومان است که البته ارزش واقعی این مقدار گازوئیل با بنزین با احتساب هر لیتر ۶۰ تومان کمتر از ۷۰ هزار تومان می‌باشد.

در پاکستان نیز که حقوق یک کارمند عالی‌رتبه حدود ۱۰۰ دلار در ماه است، قیمت هر لیتر گازوئیل و بنزین حدود نیم دلار می‌باشد. به عبارت دیگر حقوق هر پاکستانی ماهانه

برابر ۲۰۰ لیتر گازوئیل با بنزین است.

همان طور که تاکید شده متأسفانه ما در کشورمان به اندازه مصرف مردم چین و هند موارد سوختی و انرژی‌زا مصرف می‌کنیم و این در حالی است که نیاز واقعی ایران به مصرف مواد سوختی و انرژی‌زا کمتر از نیمی از مصرف کنونی است.

اگر ما این سرمایه عظیم را افزایش تولیدات کشورمان به کار گیریم، نتیجه آن، بهبود وضع اقتصادی کشور و گرم شدن خانه قشر محرومی که هنوز هم منزلشان در زمستان گرم نمی‌شود، خواهد بود. مسلماً اسراف در مصرف مواد سوختی نفعی به حال مردم ندارد و به ویژه اینکه مواد تمام شدنی است تا سال ۱۳۸۶ یعنی ۱۱ سال دیگر ذخایر نفت ایران به پایان خواهد رسید. آن وقت کدام کشور هزینه گرم شدن منازل مردم کشورمان را تقبل خواهد کرد؟!

آیا سوزاندن بی‌رویه و اسراف در مصرف مواد نفتی برای بهبود وضع اقتصادی کشور بهتر است یا صرف این سرمایه در محور فقر و در تولید، عمران، صنعت و آبادانی ایران؟

طبیعتاً همان طور که گفته شد وقتی تولید ناخالص داخلی کشور اضافه شود، قدرت خرید مردم نیز افزایش خواهد یافت. در دوران گذر نیز اختصاص يك چهارم یارانه مواد سوختی برا كملك به محرومین كافي خواهد بود. فراموش نشود که هم اکنون بیش از ۷۵٪ یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا نصیب اقشار ثروتمند می‌گردد.

ادامه دارد



## وضع زندگی مردم

نویسنده مقاله «در حاشیه حذف یارانه سوخت» که در نقد یادداشت اقتصادی اینجانب تحت عنوان نقدی بر محور فقر و تحت تیتر یارانه مواد نفتی يك و نیم برابر کل بودجه عمرانی به رشته تحریر آمده است، در بخشی از مقاله خود می‌نویسد:

بهرتر است از حافظه خود مدد جوئیم و نتایج بالا رفتن قیمت سوخت در ابتدای سال جاری را به یاری آوریم.

افزایش قیمت بنزین در سال جاری موجی از افزایش لجام گسیخته قیمت‌ها را ایجاد کرد. در ابتدا نرخ حمل و نقل داخل شهری تا صد درصد افزایش یافت و نرخ حمل کالا و مسافر بین شهری و افزایش سریع سایر قیمت‌ها به شکل ناراحت کننده‌ای ظهور کرد. افزایش قیمت برنج و سایر اقلام مورد نیاز عمومی که به هزینه حمل و نقل بستگی دارد، در حالی صورت گرفت که دستمزد حقوق بگیران متناسب با این افزایش قیمت‌ها ترمیم نشد. بنابراین قدرت خرید حقوق بگیران کاهش یافت.

در پاسخ به قیمت فرآورده‌های نفتی و افزایش قیمت آن اشاره می‌کنم.

در مقاله‌های قبل گفته بودیم که ارزش هر لیتر نفت خام ۱۰ سنت یعنی ۳۰ تومان و ارزش هر لیتر نفت سفید، گازوئیل و بنزین ۶۰ تومان است. یعنی در صورت صدور آن به خارج این مبلغ به خزانه عمومی کشور وارد می‌گردد، لیکن ما در ایران در سال قبل هر لیتر نفت سفید و گازوئیل را ۱۵ ریال و هر لیتر بنزین را ۵۰ ریال به فروش می‌رساندیم. در سال ۷۴ هر لیتر نفت سفید و گازوئیل که ۶۰۰ ریال ارزش آن است، از ۱۵ ریال به ۲۰ ریال رسید و قیمت هر لیتر بنزین که ارزش آن هم ۶۰۰ ریال است، از ۵۰ ریال به ۱۰۰ ریال افزایش یافت. بر فرض که يك تاکسی تمام روز کار کند، ۳۰ لیتر بنزین مصرف می‌کند، یعنی ۱۵۰ تومان در روز به هزینه او بابت افزایش قیمت بنزین اضافه می‌شد، حال آنکه آنان سعی می‌کردند این مبلغ را در هر بار مسافر کشتی از مسافران دریافت دارند. بنابراین افزایش قیمت‌ها در ابتدای سال جاری يك افزایش طبیعی و اجتناب ناپذیر نبود، بلکه سوء استفاده و زیاده طلبی آنان بود. همچنین بسیاری از تجار و کسبه نیز به سوء استفاده پرداخته و به طور غیر قابل قبولی به افزایش قیمت‌ها

پرداختند.

دولت نیز برا مقابله با این توطئه‌ها و سود جوییها و در دفاع از حقوق مردم، ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار را تشکیل داد و تا حدود زیادی نیز در این امر موفق بود. اگر بخواهیم از حافظه خود مدد جوییم به یاد می‌آوریم که هر دلار به ۷۰۰ تومان رسیده بود، حال آنکه علیرغم اعلام تحریم همه جانبه از سوی آمریکا ارزش دلار در مقابل ریال کاهش یافت و رسماً به ۳۰۰ تومان رسید و قیمت قاچاق آن نیز حدود ۴۰۰ تومان بیشتر نبود.

و اما حقوق کارمندان دولت نیز نسبتاً ترمیم گردید، البته دولت می‌توانست این حقوق‌ها را بیش از این افزایش دهد، لیکن برا این کار می‌بایست از برخی پروژه‌های عمرانی صرف نظر کرده یا تکمیل پروژه‌ها را به تأخیر می‌انداخت. اگر بخواهیم وضع مردم را بررسی کنیم باید وضعیت مردم در تمام کشور را مد نظر قرار دهیم.

سد پیشین در سیستان و بلوچستان سال گذشته تکمیل شد و زمستان امسال چهار سیل ویرانگر را مهار کرد و آن را به آبی مطمئن برای به زیر کشت آبی بردن ۸ هزار هکتار زمین مناسب تبدیل نمود.

مردم ساکن زیر سد پیشین هر ساله در معرض سیل ویرانگر قرار داشتند و امسال ۸ هزار هکتار زمین برای کشاورزی دارند. تفاوت وضع آنها را مشاهده کنید.

مرد استان خوزستان هر سال در معرض طغیان رودخانه عظیم کرخه بودند. برخی نقاط آن در ایامی از سال در معرض خشکسالی و همین نقاط در ایام دیگری از سال در معرض طغیان رودخانه بودند. دولت سد عظیم کرخه را در دست ساخت دارد که ۳۸ برابر سد کرج گنجایش آن است. با آب این سد و با استفاده از سیستم آبیاری تحت فشار می‌توان حدود ۴۰۰ هزار هکتار زمین مناسب کشاورزی را زیر کشت آبی برد. برای تجسم بهتر باید بگوئیم این سطح از زمین برابر است با زمینی به عرض ۴ کیلومتر و به طول هزار کیلومتر، یعنی بیش از طول جاده تهران مشهد.

هم اینکه که بخشی از کار ساخت سد انجام شده است خطر طغیان این رودخانه‌ها از بین رفته است. وضع زندگی مردم این سازمان را با گذشته مقایسه کنید! بنابراین در ارزیابی وضعیت مردم باید وضع عمومی مردم را مورد توجه قرار دهیم.

دولت اعلام کرده است که هر ۴۵ روز يك سد مخزني به بهره برداري مي‌رسد. آیا هزینه این کارهاي اساسي عمراني از کجا تأمین شده است؟ بر اساس بودجه عمومي سال ۱۳۷۵ بیش از ۲۲ هزار میلیارد ريال صرف امور عمراني مي‌گردد. این بودجه عظيم از کجا تأمین شده است؟!

وقتي بيابانها به باغستان تبديل مي‌شود و وقتي توليدات کشور افزايش مي‌يابد و وضع اقتصادي کشور بهبود مي‌يابد و با بهبود وضع اقتصادي کشور، قدرت خريد مردم و منجمه کارمندان دولت بيشتري مي‌شود.

هر لحظه‌اي که آب شيرين رودخانه‌هاي کارون و کرخه به آب شور دريا مي‌پيوندند خسراني عظيم است، با مهار آبهايي که فقط در استان خوزستان هدر مي‌رود مي‌توان ۱/۵ ميليون هکتار بيابانها را به شيوه سنتي زير کشت آبي برد و این مقدار بیش از کل وسعت استان گيلان است. و در صورتي که از سيستم آبياري تحت فشار استفاده کنيم مقدار زميني که زير کشت آبي خواهد رفت بسيار بيشتري خواهد بود.

حال بايد ديد که کدام راه بهتر است. صرف سرمايه عظيم کشور به صورت يارانه و در نتيجه اسراف بي حد در مصرف آن يا مثلاً سرمايه گذاري در مهار آبها و توسعه کشت و صنعت؟!

## هزینه‌های حمل و نقل

در قسمتی از مقاله وارده تحت عنوان در حاشیه حذف یارانه سوخت در نقد مقاله اینجانب آمده است:

مسئله سوخت در کشور پهناور و وسیع ایران که سیستم توزیع داخلی اتکای زیادی به مصر سوخت دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است. قیمت محصولات عرضه شده کشاورزی و تولیدات صنعتی و کالاهای وارداتی از مبداء زمین‌های کشاورزی و یا کارخانجات و یا بنادر بستگی به هزینه حمل دارد و توسط کامیون‌هایی که مصرف‌کننده گازوئیل و انتهای که مصرف‌کننده بنزین هستند صورت می‌گیرد.

در قسمت دیگری از مقاله به نمونه شیلی اشاره شده و آمده است: به طور مثال می‌توان از کشور شیلی نام برد که دارای طول زیاد است و در سواحل اقیانوس آرام به طول چند هزار کیلومتر امتداد یافته است و به همین علت به سختی به سیستم حمل و نقل خود جهت حیات اقتصادی وابسته است.

زمانی که رژیم مارکسیستی سالودور آلنده در اوائل دهه ۷۰ روی کار آمد، استکبار جهانی جهت سرنگونی آن سیستم حمل و نقل و سرنگونی این رژیم و روی کار آمدن ژنرال پینوشه گردید. در پاسخ به نکته مورد اشاره باید گفت:

همان طور که نویسنده اشاره کرده است شیلی کشوری طویل است و حمل و نقل جاده‌ای برای ارتباط بین نقاط مختلف کشور نقشی حیاتی دارد. ایشان به پهناوری کشور ایران نیز اشاره کرده و اهمیت حمل و نقل و تاثیر هزینه سوخت در حمل و نقل را مورد اشاره قرار دادند.

اولاً وسیع بودن و طولی نبودن کشورمان موجب می‌شود کشورمان از خطر مشابه شیلی برخوردار نباشد، ثانیاً کاملاً موافقم که باید در هر صورت هزینه حمل و نقل را در صورت امکان کاهش داد.

برای اینکار چند راه وجود دارد. یکی از روش‌ها این است که قیمت سوخت را حتی پایین‌تر از مجانی پایین بیاوریم و این کار است که اینکه در کشورمان جاری است (رجوع شود به مقاله نقدی بر محور فقر تحت عنوان کمتر از مجانی مندرج در صفحه

چهار اطلاعات (۷۴/۱۲/۱۳)، و به همین دلیل نیز تاکید گردید که سالانه ۱۱ میلیارد دلار معادل ۳۳۰۰ میلیارد تومان و یا روزانه حدود ۳۰ میلیون دلار معادل ۹ میلیارد تومان یارانه به مواد سوخت و انرژی‌زا تعلق می‌گیرد. راه دیگر آن است که ما با ساخت راه‌ها، پلها، تونلها، راه آهن، بنادر و امثالهم هزینه‌ها را کاهش دهیم.

آیا می‌دانید با یارانه یک سال مواد سوختی و انرژی‌زا می‌توان هزینه ساخت ۴۰ هزار کیلومتر (برابر دور کره زمین) جاده آسفالتی ۱۱ متری فنی مهندسی را تأمین کرد؟ آیا می‌دانید با یارانه یک سال مواد نفتی می‌توان هزینه احداث دور هزار کیلومتر تونل دو بانده در دل کوه‌ها ساخت و نور و تهویه آن را نیز تأمین نمود.

آیا می‌دانید با یارانه ۲۰ روز مواد سوختی و انرژی‌زا می‌توان جاده ۱۸۰ کیلومتری دو بانده تهران چالوس را با احداث چندین کیلومتر تونل و پل به یک آزاد راه چهار بانده ۱۲۱ کیلومتری تبدیل نمود.

آیا می‌دانید فقط با کمتر از ۶ روز یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا می‌توان هزینه اصلاح هندسی ۱۲۰۰ نقطه حادثه خیز جاده‌ها را بر طرف کرد؟ و آیا می‌دانید که بیش از ۷۵٪ یارانه مواد سوختی به جیب ثروتمندان می‌رود؟

آیا منطقی است ایران ۲ میلیارد دلار هزینه تولید نفت کند و ۱۴ میلیارد صادر داشته باشد و ثروتی معادل ۱۱ میلیارد دلار بدهد تا ۱۲ میلیارد دلار نفت را به ۱ میلیارد دلار حراج کند، تا مصرف‌کنندگان با اسراف بیش از حد آن به اندازه هند و چین (با جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر) نفت بسوزانند.

اگر قبول کنیم که افزایش قدرت تولید کشور موجب افزایش قدرت خرید مردم می‌شود، پس باید بپذیریم که سرمایه‌های خود را به بهترین نحو بکار بندیم، به ویژه آنکه نفت ماده‌ای تمام شدنی است و با روند رشد مصرف نفت به روال کنونی، در سال ۱۳۸۶ (یعنی ۱۱ سال دیگر) ذخایر نفتی کشور پایان خواهد یافت.

ادامه دارد

## توقعات ارزی

نویسنده مقاله در حاشیه حذف یارانه سوخت ضمن اشاره به اینکه یارانه بر اساس قیمت‌های جهانی محاسبه شده‌اند خواستار ملحوظ کردن دستمزدها در کشورهای صنعتی پیشرفته شدند و آورده‌اند:

به شتر مرغ گفتند بار ببر گفت مرغم، گفتند تخم بگذار گفت شترم. اگر خواهان حذف یارانه هستیم. بنابراین دیگر نمی‌بایست دستمزدها را در قیاس چین و هندوستان و کشورهای که هنوز خود را پایبند پرداخت یارانه به مردم خود می‌بینند در نظر بگیریم، بلکه می‌بایستی که دستمزدهای را در مقیاس جهانی خود و متناسب کشورهای با سیستم سرمایه‌داری اروپا و ژاپن و شرق آسیا در نظر بگیریم، بنابراین نمی‌توان در قسمت سوخت مثل کشورهای پیشرفته جهانی عمل کنیم و اما در زمینه دستمزدها مثل کشورهای فقیرتر. حقوق سی هزار تومان يك کارمند با احتساب دلار ۳۰۰ تومان رقم صد دلار می‌شود. اگر تفاوت دستمزد يك کارمند را به مورد مشابه در کشورهای صنعتی هزار دلار در نظر بگیریم و تعداد حقوق بگیران را دو میلیون به حساب آوریم با ضرب کردن به رقم دو میلیارد دلار، تفاوت دستمزد ماهیانه رسیم که سالانه آن رقم ۲۴ میلیارد دلار می‌گردد. این رقم بیش از دو برابر مقداری است که دولت به عنوان یارانه مواد سوختی در حال حاضر می‌پردازد؛

در پاسخ باید گفت:

اولاً: بر چه اساسی نویسنده مدعی شده که در هند یارانه می‌دهد؟، آن هم در سطح ایران! در هند بابت مصرف و از جمله بابت مواد سوختی نه تنها یارانه نمی‌پردازند، بلکه مالیات قبل توجهی می‌گیرند و اصولاً محل تأمین بودجه دولت از مالیات بر مصرف است.

ثانیاً: این طرز تفکر متأسفانه رایج است که می‌گویند هزینه دلاری، حقوق ریالی بر اساس محاسبه نگارنده مقاله در حاشیه ... این کارمندان دولت هستند که ۲۴ میلیارد دلار به دولت یارانه می‌دهند.

متأسفانه کم نیستند کسانی که تلقی غلطی از دولت دارند و دولت را طرف معامله یا

مقابل ملت می‌دانند، حال آنکه دولت وکیل و منتخب ملت است و در مورد اموال عمومی تصمیم می‌گیرد و باید در این تصمیم‌گیری منافع عموم را در نظر بگیرد.

و اما آیا هیچ فکر کرده‌اید که چرا حقوقها و درآمدها در کشورهای مختلف متفاوت است. مثلاً چرا حقوق و درآمد در آلمان و همسایه‌اش فرانسه و یا در آمریکا و همسایه‌اش مکزیک یا کانادا فرق دارد؟!

همانطور که قبلاً تأکید گردید، تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی، با توجه به جمعیت کشور در حقیقت تعیین‌کننده سطح زندگی مردم هر کشوری است. سطح زندگی مردم هر کشور نیز در مقاطع مختلف زمانی متفاوت است.

آلمان به عنوان دومین صادرکننده جهانی و ثروتمندترین کشور اروپا با توالی ناخالص ملی بالغ بر ۱۵۰۰ میلیارد دلار سالانه ۵۰۰ میلیارد دلار صادرات دارد، دولت آلمان سالانه ۲۵۰ میلیارد دلار از مردم کشورش مالیات اخذ می‌کند.

آیا می‌توان امکانات و حقوقی را که دولت به کارمندان می‌دهد با احتساب ۱۴ میلیارد دلار صادرات و حدود یک و نیم میلیارد دلار مالیات با کشور آلمان با ۱۵۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص ملی و ۲۵۰ میلیارد دلار مالیات مقایسه کرد.

اگر ۱۴ میلیارد دلار در آمد کشور از محل صادرات به تعداد ۶۰ میلیون نفر جمعیت ایران تقسیم کنیم، سرانه صادراتی برای هر نفر ماهانه کمتر از ۲۰ دلار می‌گردد. که در زمینه‌های مختلف تحصیلی، بهداشتی، عمرانی، نظامی و ... هزینه می‌گردد. به عبارت دیگر سرانه تولید دلار از محل صادرات برای هر نفر ۲۰ دلار است، پس چگونه نگارنده مقاله مذکور هزار دلار را برای حقوق هر نفر ایرانی مد نظر قرار داده است.

در مقایسه امکانات یک کشور با کشور دیگر باید هر تولید ناخالص ملی، هم میزان مالیات دریافتی از سوی دولت و بودجه آن و هم حقوق و مزایا و رفاهیات با هم مقایسه کردند.

پاسخ کسانی که می‌گویند هزینه‌ها، دلاری داشته باشیم. با تولید ۲۰ دلار از محل صادرات انتظار داشت. تقویت تولید و قدرت اقتصادی کشور نیز یک امر مختص به دولت نیست و تک تک آحاد ملت در تحقق آن شریکند و انطباق اجتماعی و اقتصادی و

وجدان کاري در آن بسيار موثرند.

بعضي‌ها در کار و تلاش تنبل‌ترين ملت‌ها و در درآمدها، ثروتمندترين را ملاک قرار مي‌دهند. حال آنکه توصيه بزرگان دينمان اين است که در عالم مقايسه، خود را در ثروت با فقر او در علم با علما بسنجيم.

بايد واقع بين بود و براي پرهيز از سقوط در گذرگاه خطرناک توقعات به کار و تلاش و همت خویش اتکاء و مراقبت کرد که کبک وار چشم بر واقعیات نیست.



## اعتیاد به یارانه

یکی از خوانندگان محترم سلسله مقالات «نقدی بر محور فقر» می‌نویسد: با افزایش مختصر قیمت نفت و بنزین شاهد افزایش سرسام آور سایر محصولات و سوء استفاده رانندگان، کسبه، بازاریان و امثالهم بودیم. اگر بخواهد یارانه مواد سوختی حذف شود و قیمت مواد سوختی و انرژی‌زا چند برابر وضع موجود شود، افزایش قیمت‌ها دیگر قابل کنترل نخواهد بود و مردم بیش از پیش دچار مشکل خواهند شد و نخواهند توانست زندگی خود را اداره کنند. در این صورت آن ۱۰٪ یا ۲۰٪ مردم ثروتمند متضرر خواهند شد. هر قدر حقوق‌ها نیز اضافه شود، جبران این گرانی‌ها را نخواهد کرد. نویسنده مذکور با اشاره به اینکه دولت مالیات‌های بسیار زیادی می‌گیرد، اشاره می‌کند که دولت‌های غربی به‌طور مرتب در پی رفاه ملت خویش هستند، و دولت ما مالیات بسیار زیادی نسبت به گذشته دریافت می‌دارد و نویسنده مقالات نقدی بر محور فقر نیز در فکر حذف یارانه‌ها است.

نویسنده نامه فوق‌الذکر در پایان می‌نویسد: نمی‌گویم کاری انجام نگرفته. هر شب در تلویزیون و رسانه‌های گروهی کارهای مفید دولت آقای هاشمی رفسنجانی را می‌بینم و خیلی خوشحال می‌شود. ولی همه دنیا دارند، جلو می‌روند. اگر این قدم‌ها را هم برداریم، می‌شود افغانستان، که برای ملت ما مایه شرمندگی خواهد بود.

ضمن تشکر از نویسنده مطالب فوق که ما را اجابت کرده و به نقد مقالات «نقدی بر محور فقر» پرداختند، در ذیل به مطالب ایشان پاسخ می‌دهم.

کل مالیات دریافتی در سال ۱۳۷۴ حدود ۵۰۰ میلیارد تومان بوده است؛ حال آنکه بودجه آموزش و پرورش در همین سال ۵۳۰ میلیارد تومان بود و علی‌رغم اختصاص چنین بودجه‌ای شاهد کاستی‌های بودجه‌ای در آموزش و پرورش هستیم. این بدین معنی است که با مالیات‌های دریافتی حتی نمی‌شود آموزش و پرورش کشور را اداره کرد و سایر هزینه‌های کشور عمدتاً از محل درآمدهای نفتی تأمین می‌شود. آیا فکر کرده‌ایم که اگر درآمدهای حاصل از صادرات نفت قطع شود، چه بر سر کشور خواهد آمد؟!

قبلاً تأکید کردیم که به دلیل یارانه‌های مواد سوختی و انرژی‌زا اسراف زیادی در

مصرف این مواد صورت می‌گیرد و ایران با ۶۰ میلیون جمعیت برابر با کشورهای چین و هند با حدود یک میلیارد جمعیت مواد سوختی و انرژی را مصرف می‌کند. اسراف در مصرف برق مختص یک قشر خاص نیست. همه اسراف می‌کنند، البته ثروتمندان بیشتر از دیگران، هم مصرف می‌کنند و هم اسراف دارند و هم یارانه بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند، اگر نصیحت و تبلیغ مؤثر بود تا کنون تأثیر خود را نشان می‌داد.

اگر باور ندارید امتحان کنید. به هندوانه فروشی محلتان بگویید در هیچ کشوری برای فروش میوه این قدر لامپ هزار وات روشن نمی‌کنند. او را به صرفه‌جویی دعوت کنید. به او بگویید از بیت‌المال مسلمین سالانه حدود ۸۰۰ میلیارد تومان (یعنی بیش از یک و نیم برابر کل مالیات کشور و یا بیش از یک و نیم برابر بودجه آموزش و پرورش) یارانه به مصرف برق تعلق می‌گیرد. آیا گوش او بدهکار این نصیحت‌ها خواهد بود؟!

از یک لوستر فروشی بخواهید از روشن کردن لوسترهای متعدد در فروشگاه خود پرهیز کند و منتظر باشید تا او به حرف شما توجه کرده و آنها را خاموش سازد. آیا این کار را خواهد کرد؟ اگر خاموش کردند فردای آن روز نیز سرب به آن فروشگاه بزنید و نتیجه نصایح خویش را مشاهده کنید.

بنابراین تأثیر نصیحت و موعظه محدود است. حال آنکه آنچه عموماً موجب صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف می‌گردد، میزان قیمت کالاها است.

براساس اعلام کارشناسان چنانچه مصرف مواد سوختی و انرژی را به روال کنونی ادامه یابد، به فرض حفظ صادرات موجود، سال ۱۳۸۶ ذخائر نفت ایران به پایان خواهد رسید، حال آنکه به فرض حفظ صادرات زمان رژیم منحوس پهلوی و ادامه رشد مصرف داخلی آن زمان، سال ۱۳۷۵ یعنی سال جاری سال پایان ذخائر نفت بود. پیروزی انقلاب اسلامی و سیاست‌های متخذه موجب رهایی از چنین فرضی شد. کارشناسان همچنین اعلام کرده‌اند که در صورت پرهیز از اسراف و بهینه کردن مصرف انرژی، حتی بعد از سال ۱۴۰۰ نیز با حفظ سطح صادرات فعلی دارای نفت خواهیم بود.

آیا هیچ فکر کرده‌ایم که اگر یازده سال دیگر نفت پایان یابد با جمعیت رو به افزایش

کشور چه بر سر کشور خواهد آمد یازده سال مدت زیادی نیست. بویژه آنکه همان‌طور که ذکر شده مالیات دریافتی حتی برای هزینه آموزش و پرورش نیز کفایت نمی‌کند. ما باید قبل از هر چیز جلوی اسراف‌ها را بگیریم. بویژه اسراف در مصرف مواد سوختی و انرژی‌زا را؛ این سرمایه‌ها را در جهت رشد و توسعه و قطع وابستگی به درآمدهای نفتی صرف کنیم و امور را از طریق مالیات‌ها بویژه مالیات بر مصرف اداره کنیم. اگر آبها مهار شوند و زمین‌های بیشتری به زیر کشت بروند و محصولات بیشتری تولید شوند، وضع اقتصادی بهتر خواهد شد. اگر راه‌های ارتباطی از طریق پل‌ها، تونل‌ها و اتوبان‌ها کوتاه‌تر شود و خطوط ارتباطی از جمله مخابرات گسترش یابد، رشد اقتصادی تسریع خواهد گردید و وقت مردم کمتر تلف خواهد شد.

اگر از مواهب طبیعی و معادن غنی کشور به نحو احسن استفاده شود و محصولات نهایی تولید گردند، تولید ناخالص ملی افزایش خواهد یافت و نتیجه افزایش تولید ناخالص ملی بهبود وضعیت اقتصادی مردم است.

این سؤال مطرح است که آیا چنانچه مواد سوختی و انرژی‌زا اسراف‌گونه سوزانده شوند به نفع کشور است یا این مواد در جهت عمران و آبادی و افزایش تولیدات بکار روند؟ بویژه آنکه ۷۵٪ یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا نصیب اقشار ثروتمند می‌گردد. همان‌طور که در شماره‌های قبل ذکر شد تولید ناخالص ملی آلمان ۱۵۰۰ میلیارد دلار است که ۵۰۰ میلیارد دلار آن را صادر می‌کند.

مردم آلمان سالانه ۲۵۰ میلیارد دلار (یعنی قریب به ۱۵ برابر درآمد ایران از محل صادرات نفت) به دولت خویش مالیات می‌پردازند، بسیاری از هموطنان عزیز بدون توجه به آن تولید ناخالص ملی کشورهای اروپایی که عمدتاً نتیجه کار و تلاش مردم است و بدون توجه به مالیات بسیاری که آن ملت‌ها به دولت می‌پردازند، و بدون توجه به درآمدهای آن کشورها از محل استعمار و استثمار سایر ملل بدست آورده‌اند، انتظار دارند از رفاه مشابه برخوردار باشند.

برای اطلاع از چگونگی اخذ مالیات در غرب نمونه‌ای را از ایتالیا ذکر می‌کنم. یک لیتر بنزین در ایتالیا، یک دلار و ۱۸ سنت است که سه چهارم آن بابت مالیات است. به عبارت دیگر مردم بابت هر لیتر بنزین بیش از ۸۰ سنت یعنی حدود ۲۵۰ تومان مالیات

می‌پردازند، حال آنکه حقوق یک ایتالیایی ماهیانه حدود ۱۳۷۰ دلار است. یعنی حقوق هر ایتالیایی کمتر از ۱۲۰۰ لیتر بنزین یا گازوئیل است. مردم ایتالیا به تناسب سیلندر ماشین خود مالیات می‌پردازند. استفاده از یخ‌شکن موجب افزایش مالیات است. اگر کسی بخواهد روی کاغذی که روی شیشه ماشین نصب می‌شود، آمادگی خود را برای فروش ماشین اعلام کند باید مالیات بپردازد.

دولت در ایتالیا از همه چیز مالیات می‌گیرد. هر پریز تلفن در خانه‌ها مالیات خاصی دارد. بنابراین یک خانه با چند پریز مالیات بیشتری می‌پردازد. هرچه طول سیم تلفن بیشتر باشد، باید مالیات بیشتری پرداخت شود.

بابت هر پالس تلفن نیز مالیات اخذ می‌شود. دولت ایتالیا هم از مردم بابت تلفن مالیات اخذ می‌کند و هم از شرکت مخابرات بابت سود حاصله مالیات می‌گیرد. دولت‌های غربی بابت آب، برق، بنزین، قطار، هواپیما و مواد خوراکی نظیر گوشت، شیر، پنیر و خلاصه هر چیز که زندگی انسان به آن نیازمند است، مالیات می‌گیرند و ما در ایران برای تمامی آن‌ها یارانه می‌پردازیم؛ آن‌هم با اتکا به درآمدهای رو به اتمام حاصل از صادرات نفت. جالب آن است که متوسط سطح مسکن در آلمان که ثروتمندترین کشور اروپا است، حدود ۶۰ مترمربع می‌باشد و جوانان ما برای آغاز ازدواج خانه ۶۰ متری را کافی نمی‌دانند.

واقعیت این است که بسیاری از افراد به جای کار و تلاش و تولید به منظور تأمین زندگی خود به یارانه‌های مختلف معتاد شده‌اند و فراموش نموده‌اند که نفت تمام شدنی است.

حذف یارانه‌ها، بویژه یارانه مواد سوختی و تسریع در عمران و آبادانی کشور و تلاش روزافزون برای قطع وابستگی امور جاری کشور به درآمدهای نفتی برای مواجهه با ایران بدون نفت، امری ضروری و حیاتی است و در صورتی که پیش‌بینی‌های لازم برای تسریع در این امر صورت نگیرد، با مشکلات لاینحل مواجه خواهیم شد.

نگرانی عمده‌ای که در حذف یارانه‌ها وجود دارد، این است که عده‌ای از مردم نتوانند علی‌رغم کار و تلاش خستگی‌ناپذیر خود نیازهای اولیه خود را تأمین کنند و

دچار فقري غير قابل تحمل گردند.

طرح دولت براي محو فقر چنين نگراني‌اي را کاهش مي‌دهد، بويژه آنکه منابع موردنياز انجام اين طرح و همچنين بودجه‌هاي لازم براي افزايش حقوق کارمندان و ... از حدود يك چهارم يارانه مواد سوختي و انرژي‌زا قابل تأمين است و بقيه را مي‌توان صرف زندگي کشور کرد. سازندگي‌اي که موجب رفاه و عزت روزافزون مردم کشورمان خواهد شد. ان‌شا...

و اما در مورد افزايش قيمت‌ها، در صورت افزايش قيمت فرآورده‌هاي نفت بايد گفت که بخشي از اين افزايش امري طبيعي است.

ولي نگراني‌هايي که ما همزمان با افزايش قيمت فرآورده‌هاي نفتي شاهد آن بوديم، نتيجه سودجويي‌هاي افراد پول‌پرستي است که بدون توجه به منافع کشور به ثروت‌اندوزي مي‌پردازند و حلال و حرام هم نمي‌شناسند.

تشكيل ستاد پشتيباني برنامه تنظيم بازار و ايجاد سازمان‌هاي بازرسي و نظارت و تعزيرات حکومتي براي ممانعت از اجحاف اين سودجویان و مجازات متخلفين است.

در هر صورت به دلایل امکان اجحاف سودجویان در صورت اصلاح قيمت‌هاي مواد سوختي و انرژي‌زا نبايد از اصلاح امور منصرف شد و کشور را در معرض خطر فقر فراگير قرار داد. همان‌طور که نبايد به دليل خروج مقداري خون از بدن در صورت انجام عمل جراحي، از انجام عمل‌هاي جراحي حياتي و ضروري خودداري کرد.

## طرح چند سؤال

نامه‌ای در نقد سلسله مقالات «نقدی بر محو فقر» از آقای برمک صدري واصل شده است که تحت عنوان «سؤال از دولت» و پاسخ آن تحت عنوان «سؤال از مردم» به شرح ذیل درج می‌گردد.

### سؤال از دولت

با توجه به سلسله مقالاتی که از شما در روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده؛ به نظر اینجانب شما خواسته و می‌خواهید مردم را آگاه نمایید و مطالبی را نگاشتید که قابل توجه بودند و یکی از مطالبی که به آن تأکید می‌ورزیدید، این بود که استفاده کنندگان اصلی از یارانه مواد سوختی ثروتمندانی هستند که طبق فرموده شما ۷۵٪ یارانه را مورد استفاده قرار می‌دهند، ولی با توجه به آمار و اطلاعات دقیق این قشر بیشتر از ۱۰٪ جمعیت کشور را تشکیل نمی‌دهند و حتی با تقریبی بسیار گزاف بیش از ۳۰٪ اتومبیل‌های کشور در اختیار آنها نمی‌باشد، در ضمن آنها به جز بنزین شخصاً از دیگر مواد سوختی استفاده نخواهند نمود و با توجه به تساوی قیمت‌ها برای تمام اقشار جامعه و با توجه به تأثیر نداشتن حذف قسمتی از یارانه یا حتی تمام آن برای قشر ثروتمند تقریباً تمامی فشار ناشی از جذب یارانه را اقشار متوسط و فقیر جامعه متحمل می‌شوند. در مورد سفرهای تفریحی نیز که شما به آن اشاره فرموده بودید: اگر با توجه به کاهش یارانه‌ها و تأثیر نسبی آن در قیمت‌ها، از میزان سفرهای تفریحی کاسته شود، آیا شما می‌توانید ثروتمندان را شامل این کاهش بدانید؟ مسلماً خیر

باید توجه داشت که یارانه برای تمامی اقشار جامعه یکسان تغییر خواهد کرد و حذف قسمتی از آن بر روی افرادی که بر کوهی از پول تکیه زده‌اند، هیچ تأثیری نخواهد گذاشت و آنان کمافی‌السابق به زندگی خود ادامه می‌دهند و فقط افراد متوسط و فقیر هستند که در این راستا تهدید خواهند شد.

شما با توجه به آمار و ارقام مردم را به صرفه‌جویی دعوت کردید و از آنها خواستید که این کار را به خاطر میهن اسلامی خویش انجام دهند، ولی به نظر شما آیا بهتر نیست ابتدا نظری به درون دستگاه‌های دولتی بیندازیم و ارقامی میلیاردی از اسراف در این

دستگاه‌ها بیرون آورده، آنها را نیز به صرفه‌جویی و دقت و نظارت در کارها دعوت کنیم؟ آیا بهتر نیست از بعضی مسئولین بپرسیم فلان کار که باید یکبار صورت می‌گرفت چرا دوباره یا چندباره انجام گرفته است؟ آیا به عنوان مثال بهتر نیست از شهرداری به خاطر آسفالت‌های مکرر غیر صحیح یک مکان ایراد گرفته آنها را به دقت بیشتر در کارها دعوت کنیم؟ و آیا در هیچ یک از کشورهای پیشرفته یارانه وجود نداشته و ندارد؟  
آیا ...

البته کاهش یارانه را نمی‌کنم ولی معتقدم که این کار باید با توجه به کلیه جوانب صورت گیرد و راضی کردن مردم و آگاه کردن افکار عمومی را در این راستا امری واجب می‌دانم و معتقدم که برای آگاه کردن این مردم با فکر، قهرمان و صبور نیاز به دلایل بسیار منطقی و کافی می‌باشد که مسلماً این دلایل نیز در ذهن کارگزاران دولت بسیارند. والسلام.

برمک صدري

سؤال از مردم

ضمن تشکر از آقای برمک صدري ذیلاً مطالب مطروحه فوق پاسخ داده می‌شود. وقتی صحبت از مواد سوختی و انرژی‌زاست، منظور فقط بنزین نیست؛ بلکه نفت سفید، گازوئیل، گاز و همچنین برق تولیدی از مواد سوختی را نیز شامل می‌شود. ایران یک میلیون و دویست هزار عشایر دارد، ولی عملاً آنها چه استفاده‌ای از مجموعه این مواد می‌کنند؟ چادر نشینان سیستان و بلوچستان چه بهره‌ای از این مواد می‌برند؟

افراد مرفهی که در خانه‌های ۲۰۰ متری تا هزار متری زندگی می‌کنند و به جای لامپ از لوسترهای چندین شعله استفاده می‌نمایند؛ متمولینی از استخر آب گرم و حمام سونا استفاده می‌کنند و از آب گرم دائمی در طول سال و از سیستم‌های پرمصرف تهویه هوا برخوردارند، بیش از دیگران یارانه‌ها را به خود اختصاص می‌دهند و در حقیقت یک خانواده ثروتمند گاه بیش از دهها روستای محروم یارانه می‌گیرد. براساس اعلام مراکز آماری و کارشناسی، بیش از ۷۵٪ یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا نصیب اقشار ثروتمند می‌گردد و هستند بسیاری از افراد که از آن محرومند.

يکي از افراد متمکن در نقد مقاله اينجانب اظهار مي‌داشت که چه اشکالي دارد، يك فرد متمکن خانه بزرگ داشته باشد و از مواهب طبيعي استفاده کند و به سير و سياحت بپردازد؟ مگر اسلام استفاده از مواهب طبيعي را حرام کرده است؟

اجمالاً به او گفتم که اگر پولي که جمع کرده است، حلال باشد و حقوق جامعه و دولت را ادا کرده باشد، استفاده از مواهب فوق بلاشکال است، ليکن خود، بايد هزینه‌هاي امکانات و رفاه خود را بپردازد، نه اينکه از بيت‌المال مسلمانان به او يارانه بابت همه چيز پرداخت شود. او نه تنها نبايد يارانه بگيرد، بلکه بايد ماليات قابل توجهي هم بدهد تا از محل ماليات براي رفع محروميت‌ها در جامعه اقدام شود.

ما نه تنها بايد يارانه‌ها را حذف کنيم، بلکه بايد ماليات بر مصرف نيز برقرار شود، بدین معني که هر کس مصرف بيشتري دارد، ماليات بيشتري بپردازد، نه اينکه هرچه دارا تر و برخوردارتر و پرمصرف‌تر و مسرف‌تر باشد، از يارانه بيشتري برخوردار گردد.

نکته‌اي که اغلب مورد توجه افکار عمومي قرار نمي‌گيرد، اين است که اين ثروتي که امروز صرف تعلق يارانه مي‌شود، در صورت حذف يارانه به بيت‌المال اضافه مي‌گردد و به نحو بهتري در رفع محروميت‌ها، ترميم حقوق‌ها، عمران و آبادي‌ها، گسترش بهداشت و درمان، تقويت آموزش و پرورش و آموزش عالي، محو فقر و ... هزینه مي‌شود.

لذا حذف يارانه مواد سوختي به معني اختصاص سرمايه‌ها در سمت و سويي بهتر است و بهبود وضعيت مردم و بهبود اقتصاد کشور هدف اصلي اصلاح امور است.

در حال حاضر اسراف در مصرف انرژي، مختص اقشار ثروتمند نيست و يك امر عمومي است. من باب مثال، شما به اسراف در استفاده از برق منزل خود توجه كنيد.

واقعاً چه مقدار بيش از نياز واقعي خود برق مصرف مي‌کنيد؟ چه مقدار از لامپ‌هاي روشن فروشگاه‌ها اضافي است؟ چرا کشوري مثل ايران با وضعيت خدادادي آفتاب، از انرژي خورشيدي استفاده لازم را نمي‌کند؟ و مگر جز اين است که آن قدر مواد سوختي و انرژي‌زاد با اختصاص يارانه‌ها ارزان شده است که ديگر استفاده از هيچ انرژي ديگري به صرفه جلوه نمي‌کند؟



اگر حذف یارانه موجب کاهش در مصرف اقشار ثروتمند نشود و از سفرهای تفریحی آنان کاسته نگردد، آیا این دلیلی است برای اینکه بیت‌المال را آتش بزنیم؟ اگر یارانه‌ها حذف شود، اولاً بی جهت بیت‌المال به ثروتمندان اختصاص نمی‌یابد. ثانیاً سرمایه‌های کشور می‌تواند در جهت مطلوب به نفع اقشار محروم و متوسط کشور به کار آید و ایران را از همه جهت آباد کند.

وقتی قیمت‌ها اصلاح شود، این اصلاح قیمت‌ها برای دستگاه‌های دولتی نیز اعمال می‌گردد و وقتی قیمت‌ها واقعی و امور شفاف شد، دستگاه‌های دولتی نیز بهتر خواهند توانست، مزیت‌های اقتصادی را تشخیص دهند.

دستگاه‌های دولتی نیز باید قبل از دیگران در صرفه‌جویی اقدام کنند ولی عدم صرفه‌جویی توسط برخی مدیران و کارمندان خود دلیلی بر عدم اصلاح کلی امور کشور نیست یکی از وظایف اصلی نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی نیز نظارت بر این‌گونه امور دستگاه‌های اجرایی است و باید در صورت مشاهده هرگونه بی‌مبالاتی اقدام به رسیدگی به موقع کنند؛ ضمن اینکه خود دولت نیز بخش‌هایی برای نظارت بر امور دارد و از گونه پیشنهاد یا اطلاعی برای ممانعت از اسراف و اعمال صرفه‌جویی استقبال می‌کند. ضمن اینکه هیچکس نباید صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف را موکول به عمل مشابه توسط دیگران نماید.

و اما اینکه آیا در سایر کشورها یارانه پرداخت می‌شود یا نه، لازم به ذکر است که اصولاً پرداخت یارانه به جهت تقویت بخشی از امور می‌باشد. در کشورهای پیشرفته و روبه رشد و اصولاً اغلب کشورها یارانه را برای تقویت تولید و صادرات می‌پردازند و بودجه آن نیز از محل اخذ مالیات بر مصرف تأمین می‌گردد.

کشورها در صدد کاهش مصرف و واردات و افزایش تولید و صادرات هستند. متأسفانه در ایران به جای اخذ مالیات بر مصرف و بر واردات در بسیاری از موارد، یارانه به مصرف و واردات تعلق می‌گیرد و این یک سیاست غلطی است که باید تغییر یابد.

همان‌طور که نویسنده محترم نقد فوق نوشته‌اند مردم ما مردمی با فکر، قهرمان، صبور هستند. مردم ما مردمی شریف، آینده‌نگر و ایثارگر هستند و حاضرند برای آیندگان، اسلام، انقلاب و کشور سختی‌ها را تحمل کنند. مردم ما مردمی هستند که به فکر آینده

فرزندانشان هستند و سعادت و سلامت آنان را آرزو می‌کنند.

خوب است خوانندگان محترم به سؤال ذیل جواب دهند.

با توجه به اینکه پرداخت یارانه مواد سوختی موجب اسراف در مصرف مواد سوختی و انرژی‌زا شده، به حدی که ایران به اندازه چین و هند با حدود یک میلیارد نفر جمعیت از این مواد مصرف می‌کند و در صورت ادامه رشد مصرف نفت ۱۱ سال دیگر ذخائر نفت کشور به پایان می‌رسد. در آن زمان ایران بیش از ۸۰ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت و فرزند ۷ ساله امروز شما، آن روز ۱۸ ساله خواهد بود و فرزند ۱۸ ساله شما در آن روز باید در کشوری بدون درآمد نفتی، زندگی خود را بگذراند. این در حالی است که با صرفه‌جویی امروز می‌توان تا بیش از ۳۰ سال دیگر نیز از این ذخائر بهره‌مند بود.

آیا شما راضی هستید که به دلیل پرداخت یارانه، نفت امروز به حدی ارزان باشد که اسراف چشمگیری در مصرف آن صورت می‌گیرد و در نتیجه فرزند شما در ابتدای جوانی با فقر و قحطی مواجه شود. آیا او فردا خواهد توانست دست شما را در پیری بگیرد. اگرچه ۱۱ سال زمان زیادی نیست و بسیاری از ما اسراف‌کنندگان امروز، آن روز هنوز پیر نشده‌ایم.

من مطمئن هستم که مردم کشورمان مردمی با وجدان هستند و حاضر نمی‌شوند به خاطر اسراف امروز خود و دیگران، آینده نزدیک فرزندانشان را به نابودی بکشانند چه رسد به آینده اسلام، انقلاب و کشور.

## مقایسه‌های واهی یا واقعی

از خواننده‌ای عزیز به نام آقای «رحیم کیانی» که خود را کارشناس اقتصادی معرفی کرده است مقاله نقد گونه‌ای حول سلسله مقالات نقدي بر محور فقر واصل شده است. که ذیلاً تحت عنوان مقایسه‌های واهی و پاسخ آن نیز در انتها تحت عنوان مقایسه‌های واقعی درج می‌گردد.

## مقایسه‌های واهی

اخیراً جناب آقای رئیس جمهور در زمینه محور فقر مطالب بسیار مهمی ایراد فرمودند و خواستند هر کسی به نحوی کمک کند تا این مسأله از ابعاد گوناگون مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و حد و حدود فقر مشخص شود و راه‌های مبارزه با آن معلوم گردد. البته نظر جناب آقای رئیس جمهور متخصصین و کارشناسان امور اقتصادی هستند که اینها با نوشتن مقاله و موشکافی مسأله، جامعه را در مورد مضار پرداخت یارانه آگاه نمایند و این کارشناسان با نوشتن مقاله‌ها جنبه‌های مختلف یارانه را به اطلاع مردم عزیز ایران برسانند. در قسمتی دیگر از نامه آمده است.

اصولاً دولت‌های اصلاح‌طلب در زمینه‌های حذف یارانه‌ها و عوارض جانبی آن و نهایتاً بهبود اوضاع، مدتی را که باید کمربندها را سفت کرد (یا به عبارتی دوران ریاضت) را پنج سال تعیین می‌کنند. مدت پنج سال برای مردم صبور و انقلابی ایران چنان مشکل نیست که نپذیرند. به شرطی که دوران شکوفایی و رفاه بعد از اتمام پنج سال، خودش را نشان دهد. بنابراین بعد از آگاهی جامعه مسأله حذف هرگونه یارانه به طریق يك همه پرسشی ممکن است و طبیعی است که مردم بعد از آگاهی با صد درصد رأی پرداخت هرگونه یارانه‌ای را حذف خواهد کرد و این روش همه پرسشی در بیشتر کشورها اجرا می‌شود. پس چرا ایران اسلامی از این شیوه استفاده نکند. نویسنده فوق سپس با تأکید بر رسالت مطبوعات به عنوان قوه چهارم کشور نوشتن مطالب دور از واقعیت را خلاف رسالت مطبوعات عنوان نموده و به نقد قسمت سوم از مقاله نقدي بر محور فقر می‌پردازد و چنین می‌نویسد: در مورد فقرزدایی مقاله‌ای به نوشته آقای مهندس

قدیري ابیانه منتشر شده است. ایشان در قسمت سوم مقاله، ارقامی ارائه دادند که هرگز واقعیات را بیان نمی‌کند. ایشان مرقوم کرده‌اند که با یارانه‌ای که به مواد سوختی پرداخت می‌شود، اگر حذف شود در عرض یک سال می‌توان یک میلیون واحد مسکونی احداث کرد و یا سد و مدرسه، اتوبان و غیره ساخت. غافل از این که اگر یارانه مواد سوختی و یا کالا و خدماتی حذف شود، قیمت آن افزایش خواهد یافت و افزایش قیمت باعث مصرف کم خواهد شد. یعنی مصرف‌کننده مثل سابق در حد زیادی مصرف نخواهد کرد. درست است که مواد سوختی در ایران واقعاً ارزان است. حتی در منطقه خاورمیانه فقط قیمت مواد سوختی ایران از همه جا ارزانتر است، حتی در منطقه خاورمیانه فقط قیمت مواد سوختی ایران از همه جا ارزانتر است، ولی حذف یارانه موجب افزایش قیمت‌ها خواهد شد. بنابراین مصرف زیاد در مقابل قیمت ارزان و مصرف کم در مقابل قیمت زیاد. حال تصدیق خواهید فرمود که بعد از حذف یارانه مواد سوختی به ارقام نجومی آقای نویسنده نخواهیم رسید. البته دولت درآمدی خواهد داشت، نه در حد ادعاهای آقای نویسنده.

اصولاً نوشتن مطالب دور از واقعیت ذهنیت مردم را گمراه کرده و موجب انتظارات بیش از حد مردم می‌شود و بعداً مردم گله‌مند می‌شوند که احداث یک میلیون واحد مسکونی چه شد و غیره.

امروز به خاطر ارزانی مواد سوختی بیشتر مردم در مسافرت‌های بیرون شهری از وسایل شخصی استفاده می‌کنند ولی بعد از حذف یارانه ترجیح می‌دهند که با وسایل حمل و نقل عمومی مسافرت کنند. این یک دلیل قانع‌کننده‌ای است دایر بر مصرف کم مواد سوختی بعد از حذف یارانه، دلایل دیگری هم است که به خاطر زیاد نبودن نوشته از آن پرهیز می‌کنم.

**رحیم کیانی – کارشناس اقتصاد**

**مقایسه‌های واقعی**

اما پاسخ به مقاله انتقادی وارده:

نویسنده نامه فوق اذعان داشته که قیمت ارزان، موجب مصرف زیاد و قیمت زیاد موجب مصرف کم است. ولی نتیجه گرفته‌اند که با کاهش مصرف، عملاً ارقام نجومی مورد تأکید را به

دنبال نخواهد داشت.

در مقالات نقدی بر محور فقر تأکید شده بود که ارزانی بیش از حد مواد سوختی و انرژی را موجب شده است که ایران برابر کشورهای نظیر هند و چین با حدود یک میلیارد نفر جمعیت، این مواد را مصرف کند و در حقیقت اسراف زیادی صورت می‌گیرد. وقتی قیمت‌ها واقعی شود جلوی اسراف گرفته خواهد شد و مصرف داخلی کاهش خواهد یافت. لیکن تولید فرآورده‌های نفتی کماکان ادامه خواهد داشت و از تولید آن کاسته نخواهد شد.

در نتیجه کاهش مصرف، بخش عظیمی از فرآورده‌های نفتی تولیدی در پالایشگاه‌های کشور قابل صدور خواهد بود و همچنین مجتمع‌های پتروشیمی می‌توانند بخشی از این مواد را به محصولات با ارزش پتروشیمی تبدیل کنند.

لازم به ذکر است که سهمیه نفتی هر کشور در اوپک براساس میزان تولید هر کشور است و نه میزان صادرات. بنابراین هرچه از مصرف داخلی کاسته شود، خواهیم توانست مقدار بیشتری نفت به خارج صادر کنیم، با این تفاوت که اینک صادرات کشور را نفت خام تشکیل می‌دهد و در صورت حذف یارانه‌ها و کاهش مصرف، ایران به صادرکننده فرآورده‌های نفتی و نه فقط صادرکننده نفت خام تبدیل خواهد شد.

در حقیقت با حذف یارانه مواد سوختی عمده این بودجه از محل جلوگیری از اسراف بیت‌المال عمومی افزوده خواهد شد و مردم فقط مابه‌التفاوت مصرف خود را می‌پردازند.

قیمت صادراتی هر بشکه فرآورده‌های نفتی نظیر نفت سفید، بنزین و گازوئیل حدوداً دو برابر قیمت نفت خام است. در زمان جنگ که پالایشگاه‌های کشور آسیب دیده بودند ما با انعقاد قرارداد با سایر کشورها در مقابل هر دو بشکه نفت خام یک بشکه نفت سفید یا گازوئیل و بنزین دریافت می‌کردیم و هم اینک نیز برخی از فرآورده‌ها را به همان قیمت از خارج وارد می‌کنیم.

در حال حاضر هر بشکه گازوئیل یا نفت سفید در ایران حدود یک و نیم دلار عرضه می‌گردد. حال آنکه حدود ۳ دلار هزینه استخراج آن و چند دلار هزینه تصفیه آن می‌گردد و دولت هزینه‌هایی را نیز بابت حمل و نقل و توزیع متحمل می‌شود. و این در حالی است که با صادرات آن می‌توان نفت خام را بشکه‌ای ۱۸ دلار و نفت سفید و گازوئیل و بنزین را بشکه‌ای دو برابر قیمت نفت خام به فروش برساند و بیت‌المال کشور را غنی‌تر ساخت.

هرچه خزانه کشور غنی‌تر باشد، امکان اختصاص بیشتر بودجه برای نیازهای کشور فراهم‌تر

می‌گردد. بر اساس برآوردهای کارشناسان، میزان مجموع یارانه‌های مواد سوختی و انرژی‌زاد حدود ۱۱ میلیارد دلار است که با احتساب هر دلار ۳۰۰۰ ریال معادل ۳۳ هزار میلیارد ریال می‌شود و این خود یک رقم واقعاً نجومی است. برای اینکه خوانندگان محترم با بزرگی رقم آشنا شوند و بتوانند آن را بهتر لمس کنند، مقایسه‌هایی انجام داده‌ایم. مثلاً گفتیم که این مقدار پول برابر است با:

- هزینه ساخت یک میلیون خانه.
  - احداث جاده ۱۱ متری فنی به طول دور کره زمین.
  - هزینه احداث دوهزار کیلومتر تونل دوبانده در دل کوه‌ها و تأمین تهویه و نور آن.
  - هزینه ساخت ساختمان دانشگاه برای دو میلیون دانشجو.
  - هزینه ساخت بیش از دویست هزار مدرسه.
  - هزینه ساخت یک سد بزرگ بابت هر روز یارانه نفت.
- مقایسه دیگری هم کردیم از جمله مقایسه بودجه دستگاه‌های مختلف با میزان یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا که نمونه‌هایی از آن به شرح ذیل یادآوری می‌گردد:
- بودجه دفتر مناطق محروم ریاست جمهوری ۶۰ میلیارد تومان و برابر با یک هفته یارانه مواد سوختی است.
  - بودجه ستاد بازسازی مناطق جنگی ۷۰ میلیارد تومان و برابر ۸ روز یارانه مواد سوختی است.
  - بودجه کمیته امداد امام خمینی (ره) ۸۰ میلیارد تومان و برابر ۹ روز یارانه مواد سوختی است.
  - بودجه سازمان بهزیستی کل کشور برابر ۳۰ میلیارد تومان و حدود سه روز و چند ساعت یارانه مواد سوختی است.

انجام مقایسه‌های فوق بدین معنی نیست که در صورت حذف یارانه، یک میلیون خانه با آن ساخته خواهد شد با تمام آن صرف سدسازی یا راه‌سازی و مدرسه‌سازی خواهد شد یا تماماً در اختیار سازمان بهزیستی یا ستاد بازسازی مناطق جنگ‌زده قرار خواهد گرفت، بلکه این بودجه به خزانه افزوده می‌گردد و دولت و مجلس با توجه به نیازهای کشور و اولویت‌ها، این بودجه را به امور ضروری از جمله محو فقر، رفع محرومیت‌ها در مناطق دورافتاده، تسریع در بازسازی

مناطق جنگی، گسترش عمران و آبادانی کشور، ترمیم حقوق کارمندان دولت و بازنشستگان، تقویت بیمه‌های اجتماعی، افزایش کمی و کیفی بهداشت، درمان، آموزش و تحقیق و غیره اختصاص خواهند داد.

یادآوری می‌گردد که یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا یک و نیم برابر کل بودجه عمرانی کشور در سال ۷۵ می‌باشد و این در حالی است که هم بودجه کل کشور در تاریخ ایران بی‌سابقه است و هم درصد بودجه عمرانی نسبت به کل بودجه که حدود ۴۲ درصد می‌باشد، در ایران و شاید هم در جهان بی‌سابقه است.

با توجه به مطلب فوق، نگرانی نویسنده که ذکر ارقام فوق را موجب ایجاد توقع در مردم- مثلاً برای ساخت یک میلیون خانه بعد از حذف یارانه‌ها- می‌داند، منتفی است. چرا که ذکر مثال‌های فوق برای اطلاع از میزان یارانه مواد سوختی و ملموس نمودن آن بوده است. اما اگر نویسنده فوق تردید دارد که با مبلغ فوق می‌توان هزینه ساخت بیش از یک میلیون خانه را فراهم کرد یا نه، محاسبات مذکور را برای اطمینان خوانندگان از صحت محاسبات ذکر می‌کنیم.

اگر هزینه ساخت هر مترمربع خانه مسکونی را چهل هزار تومان فرض کنیم، هزینه ساخت یک خانه ۷۵ متری (مسکن مناسب براساس الگوی مصرف) ۳ میلیون تومان می‌شود. ۳۳۰۰ میلیارد تومان یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا را اگر تقسیم بر ۳ میلیون تومان کنیم، نتیجه یک میلیون و صد هزار می‌شود.

به عبارت دیگر با یارانه یک سال مواد سوختی و انرژی‌زا می‌توان هزینه ساخت خانه‌های یک شهر ۵ میلیون نفری را تأمین کرد یا با یارانه دو سال مواد سوختی و انرژی‌زا می‌توان هزینه ساخت خانه‌های شهری بزرگتر از شهر تهران را تأمین نمود.

حق با نویسنده فوق‌الذکر است وقتی که بر فداکاری مردم به خاطر اسلام و انقلاب و کشور اشاره می‌کند لیکن محدود کردن صبوری مردم به پنج سال غیرواقعی است. مردم ما در طول ۸ سال دفاع مقدس نشان دادند که حاضرند برای عزت و اقتدار و استقلال و آزادی کشور هرچند سال لازم باشد مقاومت و پایداری کنند. و حتی دولت و نظام را در پیشبرد اهداف مقدس انقلاب اسلامی یاری رسانند. همچنین تأکید نویسنده فوق بر لزوم آگاه کردن افکار عمومی از ابعاد موضوع و منافع آن برای مردم تأکید به حق است.

نگاشتن سلسله مقالات نقدي بر محور فقر نيز به همين منظور است و البته ناکافي است. حق اين است که تمام افراد صاحب نظر و آشنا با بعدي از ابعاد موضوع که مي‌توانند بر آگاهي‌هاي جامعه بيفزاييد دست به کار شوند و زمينه را براي اصلاح امور فراهم کنند. بويژه آنکه فرصت چنداني باقي نمانده است. اگر روند رشد مصرف نفت به طريق کنوني در کشور ادامه يابد، براساس محاسبات کارشناسان نفتي، ذخائر نفتي در سال ۱۳۸۶ يعني ۱۱ سال ديگر به پايان خواهد رسيد و در آن صورت نه نفتي خواهد بود که در کشور مصرف کنيم و نه درآمدي از بابت صادرات نفت و نه پولي که جنس بخريم يا يارانه‌اي بپردازيم و آن‌گاه پشيماني سودي نخواهد داشت.



## هزینه‌های درمان

در مورد مقاله احساس کاذب فقر «از سلسله مقالات» نقدي بر محو فقر نامه متعددي دريافت شده است که در اين شماره به آن مي‌پردازيم. در اين مقاله به افرادي اشاره شده بود که به دليل نخوردن موز و کيوي و يا ميگو احساس فقر مي‌کردند و بر کاذب بودن اين احساس تاکيد شده بود.

در پايان مقاله آمده بود که احساس کاذب فقر از مهمترين موانع محو فقر است. عده‌اي از خوانندگان محترم بدون توجه به مطالب مندرج در شماره‌هاي قبلي تصور کرده بودند که منظور نگارنده اين است که در جامعه ما فقر وجود ندارد و به بيان وضعيت برخي از مردم که دچار فقر هستند، پرداخته‌اند.

آقاي دکتر محمد کشوفي در اين خصوص مطالبی مي‌نويسد که خلاصه‌اي از آن به شرح ذيل است:

اگر کساني از نخوردن کيوي و موز و ميگو مي‌نالند يا از عدم توانايي خريد خانه در شروع زندگي مشترک شکوه مي‌کنند و به ايشان احساس فقر دست مي‌دهد، من در محيط کار خود بيوه زنان و کارگراني را مي‌شناسم که حتي با دو شيفت کار کردن قادر نيستند براي فرزندان خود غذاي پروتئيني کافي تهيه نمايند و حتي به ته مانده غذاي مصرف شده سايرين نيز براي سير کردن فرزندان خود قانعند؛ افرادي را مي‌شناسم که علي‌رغم انجام دو شيفت کار سخت و طاقت فرسا، اگر نبود خانه‌اي که از اندوخته‌هاي قديم به دست آمده است، هرگز حتي قادر به پرداخت کرايه خانه نبودند، افرادي را مي‌شناسم که پس از بيست سال تحصيل، حتي با حقوق ماهيانه قادر نيستند اتاقي کرايه‌اي براي سکونت زن و فرزندان خود آماده کنند، زيرا نه پس از اندازي براي پرداخت پول وديعه مسکن دارند و نه توان پرداخت کرايه سنگين ماهيانه در ايشان موجود است.

وي سپس به عدم توانايي پرداخت شهريه مدارس دولتي توسط عده بسياري از هموطنان و عدم توانايي تهيه داروهاي گران قيمت بيماراني که دفترچه بيمه ندارند يا فاقد آن هستند و همچنين به زنان و مردان بسياري که تي براي پرداخت فرانشيز بيمه بيماران بستري خود ناچار به قرض گرفتن مي‌شوند، اشاره مي‌کند و نويسنده مقاله احساس کاذب فقر را به عدم شناخت فقر در جامعه متهم مي‌کند و مي‌افزايد: آنچه مورد بحث قرار گرفته بود نه تنها مشکل عموم جامعه نبود، بلکه

مشکل عده قلیلی از ملت ماست که درد فقر ایشان فقر فرهنگی است و نه فقر اقتصادی یا احساس فقر اقتصادی.

مثالهایی که آقای دکتر کشفی نگارنده نامه انتقادی وارده نوشته‌اند، در برگیرنده تمام واقعیت در مورد فقر نیست. آقای دکتر از کسانی صحبت کردند که بیمار خود را در بیمارستان بستری کرده‌اند ولی توانایی پرداخت فرانشیز بیمه بیماران را ندارند و به قرض گرفتن پول وادار می‌گردند، یا به کسانی اشاره کرده‌اند که توانایی خرید داروهای گران قیمت را ندارند. به کسانی اشاره کردند که ناچارند دو شیفت کار کنند تا حداقل هزینه‌های زندگی را تأمین کنند.

واقعیت این است که هنوز در کشور کسانی یافت می‌شوند که وضعیتی بدتر از موارد مورد اشاره آقای دکتر را دارند.

اگر سری به مناطق محروم و دور افتاده بزنیم، کسانی را خواهیم یافت که هنوز حتی از دسترسی به درمانگاه و بیمارستان و پزشک محرومند. کسانی را خواهیم یافت که حتی از آب آشامیدنی بهداشتی بی‌بهره‌اند.

آیا می‌دانید با یارانه هر روز مواد سوختی و انرژی‌زا می‌توان هزینه ساخت ۶ بیمارستان مجهز ۱۰۰ تختخوابی را تأمین کرد.

آیا می‌دانید که در سال ۱۳۷۵ دولت حدود ۱۹۵ میلیارد تومان بابت فصل بهداشت، درمان و تغذیه بودجه اختصاص داده است و هزینه‌ای که بیمارستانها باید از مردم بابت خدمات درمانی (غیر روستایی) دریافت کنند، حدود ۱۲۷ میلیارد تومان می‌باشد و به عبارت دیگر آیا می‌دانید مجموع آنچه بیماران (غیر روستایی) باید بابت درمان خود بپردازند، معادل حدود ۲ هفته یارانه نفت است؟ آیا به نظر شما بهتر نیست بخشی از سرمایه‌ای که بابت یارانه نفت می‌سوزد و از بین می‌رود به درمان بیماران اختصاص یابد.

آنچه را که هر روز به صورت یارانه سوخت اختصاص می‌یابد می‌توان به نحو بهتری هزینه نمود. محو فقر یکی از این راههای بهتر است. چون فقر وجود دارد گر چه از ۴۷٪ زمان شاه به حدود ۱۷٪ رسیده و ۳۰٪ فقرا از فقر نجات یافته‌اند، لیکن ۱۷٪ باقیمانده نیز باید از فقر نجات یابند.

فقر وجود دارد و در برخی موارد غلیظتر از آن چیزی است که آقای دکتر اشاره کرده‌اند. درست به همین دلیل نیز باید در سیاستهای پرداخت یارانه تجدیدنظر نموده و سیاستی اتخاذ کنیم

که در درجه اول طبقات فقیر و محروم جامعه و سپس طبقه متوسط از آن بهره‌مند گردند. فلسفه طرح برنامه محو فقر نیز به معنی قبول وجود فقر و ضرورت محو آن است. ولی باید بین فقر واقعی و کسانی که به طور کاذب احساس فقر می‌کنند، تفاوت قائل شد و تفکیک این دو از هم، این امکان را ایجاد می‌کند که به محو فقر واقعی بپردازیم. وجود احساس کذاب فقر در جامعه نیز یک امر بدیهی و غیر قابل انکار است.

نمونه آن یکی از مقالات انتقادی وارده است که بر لزوم مصرف موز و کیوی و خاویار در کشور اشاره کرده و تأکید نمودند که حق دارند کسانی که اینها را مصرف نمی‌کنند، احساس فقر بکنند و خواستار عدم صدور آن شده است؛ که در شماره‌های بعد انشاء... با چاپ کاملتر آن به پاسخ آن خواهیم پرداخت. این نامه نشان می‌دهد که مقاله احساس کاذب فقر یک واقعیت را مورد توجه قرار داده و آن وجود احساس کاذب فقر در بخشی از جامعه است که فقر را بسیار گسترده‌تر از واقعیت جلوه می‌دهند.

## بازنشستگان

در نقد مقاله احساس کاذب فقر از مجموعه مقالات بر محور فقر نامه‌ای از آقای سید علی احمد زاده بازنشسته کشوری واصل شده است که می‌نویسد:

فقر از دید آن دسته که يك شبهه ره صد ساله پیموده‌اند و آن قدر ثروت دارند که نخوردن و نداشتن موز و کیوی را خط فقر می‌دانند نباید مانع شود که وضعیت مردم در جنوب تهران و یا جنب کشور و بلکه بازنشستگان مورد توجه قرار گیرد، بازنشستگانی که باید تمام حقوق خود را برای اجاره مسکن که شامل دو اتاق باشد، بپردازند. نامبرده خواستار رسیدگی به وضعیت بازنشستگان شده است.

در مقاله احساس کاذب فقر تاکید کردیم که احساس کاذب فقر مانعی بر حذف فقر واقعی است. علت آن نیز این هست که اینگونه افراد انتظار دارند که بودجه بیت‌المال صرف تمایلات و زیاده خواهی‌های آنان شود، حال آنکه عدالت ایجاب می‌کند فقرای واقعی و محرومین و مستمندان از این کمک‌ها بهره‌مند شوند. دولت قدم‌های بزرگی در محور فقر برداشته است و بنا به آمار و اطلاعات حاصله علی‌رغم جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی به دلیل توسعه اقتصادی و صنعتی کشور و افزایش تولیدات تعداد فقرا از ۴۷ درصد به حدود ۱۷ درصد رسیده است؛ ولی وجود ۱۷ درصد فقیر در جامعه نیز زیبنده کشور اسلامی ایران نیست و به حق دولت با توجه به فراهم آمدن زیر بناهای اقتصادی لازم کمر همت به محور فقر بسته است.

در مقالات تاکید کردیم که دولت دستاوردهای چشمگیری در رفع محرومیت‌ها به ویژه در مناطق دور افتاده داشته است، لیکن تا رسیدن به وضعیت ایده آل راهی طولانی در پیش است. هنوز در کشور مناطقی را می‌یابیم که از داشتن مدرسه و معلم محرومند. اگر سری به کمیته امداد امام خمینی 1 بزنیم، به نیازمندی‌های برخورد می‌کنیم که نیازمند وسایل اولیه زندگی هستند؛ با کسانی مواجه می‌شویم که در تهیه ابتدایی‌ترین وسایل جهیزیه دختران دم بختشان عاجزند. اگر مطالعه‌ای در زندگی افراد بازنشسته و پیرو و فرتوت بکنیم، می‌بینیم که بعد از سالها کار و تلاش، در اوج پیری در مانده‌اند و حقوق آنها کفایت زندگی‌شان را نمی‌کند. معلمین سربلندی را می‌بینیم که نزد زن و فرزند خود شرمندند. روستاهایی را می‌بینیم که از داشتن برق، آب آشامیدنی، راه و جاده، مدرسه و درمانگاه محرومند.

در این سلسله مقالات تاکید کردیم که برا محو فقر باید به اختصاص بهتر درآمدهای عمومی بپردازیم و یکی از منابع اصلی و عمده را که قابل استفاده در محو فقر می‌باشد، سرمایه‌ای عنوان کردیم که امروز به صورت یارانه مواد سوختی موجب اسراف در مصرف آن شده است. گفتیم که یارانه مواد نفتی حدود ۱۱ میلیارد دلار برای با ۳۳۰۰ میلیارد تومان می‌باشد. تاکید کردیم که بودجه سالانه کمیته امداد امام خمینی ۱ برای ۹ روز یارانه نفت، بودجه سالانه دفتر مناطق محروم معادل یک هفته و بودجه ستاد بازسازی مناطق جنگ زده معادل هشت روز یارانه نفت است.

آیا بهتر نیست با این سرمایه عظیم مناطق محروم از محرومیت نجات یابند؟! آیا می‌دانید که یارانه سه ماه مواد سوختی و انرژی‌زا برای رفع محرومیت از تمامی روستاهای (بالای ۲۰ خانوار) کشور و برخورداری آنان از نعمت‌های برق، آب آشامیدنی بهداشتی، ساختمان، مدرسه، ساختمان بهداشت و راه مناسب کافی است؟!!

آیا می‌دانید یارانه مواد سوختی و انرژی‌زا یک و نیم برابر کل بودجه عمرانی کشور در سال ۱۳۷۵ است؟!!

آیا می‌دانید کل بودجه سال ۷۵ کشور برای پرداخت حقوق کارمندان حدود ۳۹۰ میلیارد تومان است و یارانه مواد سوختی ۸/۵ برابر این مقدار است؟!!

آیا می‌دانید یارانه ۲۶ روز مواد سوختی برابر کل بودجه سال ۷۴ مربوط به بازنشستگان کشور است؟!!

مگر نه اینکه نفت به همه مردم کشور تعلق دارد و مردم سیستان و بلوچستان، مردم مناطق محروم، فقرا و مستمندان، کارمندان، کارگران و بازنشستگان از حقوق مساوی در مورد آن برخوردارند؛ پس چرا باید از این سرمایه عظیم، کسانی بیشتر برخوردار و بهره‌مند گردند که از امکانات و ثروت بیشتری برخوردارند؟!!

آیا این دست است که بودجه‌ای که باید به ترمیم حقوق کارمندان و بازنشستگان اختصاص یابد، در معرض اسراف ثروتمندان قرار گیرد؟!!

دولت به حق سیاست محرومیت‌زایی و فقر‌زدایی و بازسازی مناطق جنگ زده و توسعه و عمران و آبادانی کشور را در رأس امور قرار داده است، و با توجه به امکانات و اختیارات و محدودیت‌های بودجه، الحاق که عملکردی خیر کننده داشته است، لیکن هنوز تا رسیدن به

وضعیت ایده آل راه زیادی باقی مانده است. محور عمده سلسله مقالات نقدي بر محر فقر، ارائه استدلال متكي به آمار و ارقام براي اثبات اين مدعاست كه حذف يا كاهش يارانه مواد سوختي و استفاده بهينه از اين ثروت عظيم بهترين راه در جهت تأمين بودجه براي محو فقر و محروميت و در جهت توسعه و عمران و آباداني ايران است.

متأسفانه امروز با اسراف در مصرف سوخت فرصت‌هاي ارزنده‌اي را براي بهبود وضعيت اقتصادي کشور و مردم عزيز و مهربان و باعاطفه کشورمان است دست مي‌دهيم. فرصت‌هايي كه به سرعت از دست مي‌روند و اگر چاره‌اي نينديشيم کشور با فقري فراگير مواجه خواهد شد.